

آنچه یکی خان) بود همه را به خود پیوست
 اعزاز این امپراتور چون با مابعد خود نبود هیچ
 خوی او پادشاهی نمپاند (زوبوف) را که یگانه و دوست
 و ممد و دستور مادرش بود با همگی و ابستگانش از
 دربار دور نمود اریزو دشمن او شده بودند (باقی دارد)

ترجمه از اخبار الظاهر

(ترقیات شرقین)

در حکمیت ترقی اهالی شرق که تکام وسیله
 می تواند به معارج ترقی صعود نماید بنویسد که صاحبان
 عقول زکیده و آراء مستقیمه هیچجه در اجموع از
 قدیم و جدید بحث کرده که آیا به چه وسيله اهالی شرق
 ممکن است به معارج علیه صعود نمایند و بررگواری قدیم
 از دست رفته خود را دوباره بدست آورند آرزو تا
 قدره در تعاطی آراء خود موفق شده یعنی اولاً
 مرص و عات الحطاط مشرفینا طاهر نموده اند سپس
 طریق اصلاح معاسد و دوائی آن الم را ذکر کرده اند
 بدین نوع که بمسالك شرقیه اصلاح نبر نمی شود مگر
 بهمت ابناء وطن - ترقی نمیتواند کرد مگر به حد و جهد
 در علم و عمل از برای اصلاح رمان آئینه خود و
 وطن خویش - محاورین و همسایگان ما که نامتها درجه
 مدنیت و اساییت و باطنی معارج رقی رسیده اند بهترین
 وسیله است که ما را به ناندی و سرفرلای برساند -
 و بعضی از اویاب بطورا عقیده این است که اهتمام در
 اصلاح شرق که اهم و اعظم و سائل باشد موقوف
 است به تربیت اولاد فقراء وطن زیرا وقتیکه اولاد
 مردمان فقیر و دون بمقام علم و تهذیب اخلاق رسیدند
 شر و فساد که ر آنها بیشتر واقع می شد کم شده و
 اعمالی که مورت فائده وطن و اولاد وطن است
 زیاد میگردد - و خیالات و افکارشان در اموریکه
 مورت ترقی ملک و ملت شان باشد زیاد و در
 صد آن بر می آیند و غایت سی و کوشش را در
 تحصیل آن بجای می آورند تا اجبا آنچه را که ذکر
 کردیم بقاعده و صحیح است - مگر نام این حکماء

دانشمندان از يك امر که اصل و بنیان این عمل است
 سکوت اختیار کرده و در آن بحث نموده اند و آقا
 امر این است که کدام اشخاص آبا شخص باید زمام
 این اصلاح را بدست گیرد و مردم را باین امر
 سوق نموده تشویق دهد تا اهالی را براه عدول
 علا دلات صکرده بذروه ناندی و مقام ارجمندی
 برساند و اعطای امری نیست که بتوانیم از او امراض
 نموده غضب و سرو عمض عین نمسایم بلکه این امر
 از مسائل منجمه و ضروریة لازمه و واجبه این عمل
 است و عظم آن بدرجه ایست که افکار تمام
 دانشمندان را تا مدتی دراز مشغول میدارد

وقتی که با معان نظر و تأمل در این امر
 توجه نمایم خواهیم دید و دانست که دولت است که
 افراد قبائل و اشخاص عشائر سرخود را باینگونه امور
 توجه میدهد و قدم در این دائره میگذازد و امکان
 ندارد که شمس بازغه دانش در مملکت بدون واسطه و
 قائدی ساند و کوک رخشان مدنیت بدون معرفی آنان
 را فرا گیرد از اجبا نتیجه حاصل میتوان کرد که برای
 اصلاح شرق آبادی طامه و مهم عالیه لابد و ضروری
 است تا درخت علم و دانش در میان اهالی آن ثمر دهد و
 سونهای صحیحه نافع را در بلاد آن بر افرازد و
 اولادهای کاهل غافل آنرا به میدان عمل بکشد و خود
 پیشرو و علمدار آن قافله شود در اقدام کردن بکارهای
 بزرگ که منافع آنها بیشتر و فوائد آنها اقرب بمحصل
 باشد در اینصورت باید ملاحظه کرد که کدام صنف
 از اصناف اهالی قابل این عنوان و شهسوار این میدان
 می توانند شد آنچه فکرم صائب و ذهن ثاقب بان
 اشاره کند آن است که آن باند همتان هانا دو صنف
 می توانند بود صنف اول حکما را شدین که هر وقت و
 رمان بقت مدت یا بکثرت در امم و قبائل با میگردد
 و هرگز هیچ قوم و طائفه و عقیده از وجود
 اینگونه مردم خالی می باشد زیرا که صاحبان نفوس
 آتیه و اذهان زکیده در هر جا و هر وقت موجودند
 اللهم اینصکه گاهی اینگونه ظاهر و آشکار و وقتی
 در حجاب استوار و وجود بیابان آنها در میان نفوس

مختلفه پیدا و پنهان است

این گروه مانند گیاه کثیرالمنفعة میباشد که در میان گیاههای سمیه ضاره برود که کسی گمان نفع از آنها نماید و آنها را از جنس آن گیاههای ضاره بداند و فائده هدر و ضایع شود. و گاهی هم ممکن است که شهر شود و مانند طلای خالص که در سنگ و خاک باشد وقتی آفتاب بر او تابد اظفار خلق را جلب و خلائق را بسوی خود متوجه فرماید و آبادی مردم به نحو او دراز شود. اینک گنجه شد صنف اول اند که خلائق را بسوی تحصیل علم و عمل سوق داده تشویق نمایند. و صنف ثانی سلاطین و دولتیان با عدل و داد و دیند که صاحبان سلطنت و مالکان سفیدی و سیاهی و راویان هم طالبه و خداوند از همان زاویه اند. اما وظیفه آنها و حکما آن است که افکار ملت را بسوی امور مهمه منتهطف سازند و اظفار خلق را بطرف لوازمات عصر متوجه نمایند.

و سلاطین با تمکین و پادشاهان با تاج و تکیه را بر دمت همت فرض است رعایا که بهترین و دایع خداوندی است بسوی آنچه را که حکما و علما اشاره فرمایند سوق دهند. در اینصورت میگوئیم که مشرق زمین محتاج است بسوسیالیسمیان و بسهارک و کلاستون و حکما بزرگی که تمام زندگانی خود را وقف تربیه و آسایش وطن و اهالی وطن خود نماید و هم ضرورت دارد مثل اسکندر و مأمون و شاران و یطراکبیر و کلیم اول سلاطین با تمکین را که مالک و رعایای خود را با غایت سعی و اجتهاد براه تقدم و بزرگی و سعادت آورند. تمام لذت استیلای خود را در ترقی ممالک و رعایای خود دانند. هر وقت که مشرق زمین دارای اینگونه حکما عظام و سلاطین نظام شد اسباب ترقی شان آماده و خوان نعمت شان نهاده خواهد بود. و قلههای جهالت که در زیرشان خورد شده بودند از سر شان فرو خواهد افتاد. آیا می شود به پنیم که مشرق زمین از تابش شمس علم و عمل روشن و سطحش مانند باغ ارم گلشن گردد؟ تا در آنوقت نفسی بخوشوقی و نیک بختی کشیم و بگوئیم شکرته هر آنچه که خاطر مبخواست

آید آخر زمین برده تقدیر بدید

زیرا که در نزد صاحبان نفوس انیقه و هم طالبه هیچ لذتی بهتر و خوشتر از لذت ترقی وطن و سعادت اهالی آن نیست. اکنون که ظهور و بروز طبیعیه تقدم در مشرق الاقصی شده باید امیدوار بود که خداوند از فضل همیم و کرم جسم برتر از آن را با اهالی مشرق ادنی قابلیت اعطا فرماید تا خروج و ارتقاء نصیب تمام دیار مشرق زمین گردد.

تشکیل مجلس نرخ ارزاق

یا یکی از اصلاحات جدیده

(ار شماره ۳۵)

بلی آنچه وظیفه دولت است همانا عدم ممانعت و ادیت در احتساب لوازم حیات عامه و تأمین راهها و غیره است تا آنکه خلق بطور آزادی و خاطر جمعی مشغول عمل و کسب خود شود. همه کس میداند که شخص شخصیت سلطنت هرگز طمعی باین جزئیات ندارد و مالیات خبازی و قصابی را معاف فرمود. اگر گویند دیگران این تعذبات را میکنند و اسباب تأمین درکار نیست جواب گوئیم بلی. تا چندی قبل که مصدر امور دیگران بودند صحیح بود و اکنون اثری از این امور نیست. هرجهت امروز که دولت زمام اختیار این امر را بخود مات تفویض میکند بر دمه خودشان است که در اسباب راحت خود کوشش کنند راه سختی از برای احدی باقی نیست در اجماعات متنبه میشود که اینگونه تکالیف راجع به عامه است و تدریجاً در صراط ترقی مواد زندگانی خود افتاده اقلأ مثل گوسفندان بیابان گرد شوند که مواظبت حالشان و حفظ از دشمن و آوردن بمرتع و نقل بسکن برعهده راعی است ولی پیدا کردن علوفه و یا دندان کردن و خوردن راجع بدیگری نیست. گوسفند در این صورت حق شکایت ندارد. و فریاد از گرسنگی نمیتواند کرد. فرضاً علوفه هم نیافت ربطی براعی نخواهد داشت و تکلیف او نیست. خلاصه فوائد تشکیل مجالس و انجمنها عموماً و انجمن تعیین نرخ خصوصاً بسیار است شاید بعد از این شرحی مجدد در این باب نگاشته آید پس بجهت تنظیم این عمل و اصلاح آن شخصی لازم بود متصدی امر شود که زیرک از کاره باخیر. پیشتر

اعلان اول

چون مقصود اصلی از نشر اعلانات ملاحظه ترفیه حال مردم و تنظیم امور اسعار و ارزاق است و مردم هم چون از بعضی ترتیبات استحضاری ندارند و موافق مرسوم سابق رفتار خواهند کرد لهذا بصوم اهالی اطلاع داده میشود که معنی اعلان امر قدر قدر مقدس هابونی ارواحنا فداء و حکم مبارک بندگان حضرت مستطاب اشرف اسعد والا وزیر اعظم مدظله است و برای آحاد و افراد مردم بمنزله حکم و فرمان است که مطالب آنرا عموماً از کسبه و غیره و بایع و مشتری بدون تخلف مجری و معمول دارند همینقدر که اهالی شهر از میزان قیمت و نرخ نان و گوشت و سایر اجناس مستحضر شدند کسبه نه حق دارند از قیمت مفرط معینه تخلف نمایند نه مردم حق دارند بقصاب و حجاز و سایر اصناف بگویند فلان جنس را چند میفروشی باید موافق نرخ و قیمت معینه هر کس هر قدر نان و گوشت و غیره لازم دارد پول بدهد و خریداری باید هر صاع یکمن نان بیک سیر بنیر میخواند مطابق قیمت هر ره پول بدهد چنانچه خباز یا بقال نان و بنیر را بدون گفتگو فروخت بهمان میزان فیها المراد و هرگاه تخلف از قرار داد ترخ نمود و سؤال و جواب کرد ظرف و پول را در دکان بقال و خیار گذارده دو سه نفر از کسبه اطراف آن دکان را گواه بگیرد و مستقیماً بیاید مراتب را باین چاکر دولت ابد آیت اطلاع دهد تا اینکه تخلف کنند را مجازات داده بگیر اعمالش برساند و متعود هم فقط صنف خباز و بقال نیست هر جنس و مقایسه که لازم دارد بخواند خریداری کند باید این ترتیب را مجری و معمول دارد در صورتیکه برخلاف این ترتیب رفتار کرده مراتب را اطلاع ندهد ظلم در حق خودش کرده احدی مورد ایراد نخواهد بود

و از تاریخ امروز که یوم پنجشنبه چهارم شهر صفر است نرخ و قیمت نان را یکمن شش عباسی و گوشت گوسفند را چارکی هشت عباسی قرار داده که بدون مثالی کم بفروشند و تخم مرغ را هم بیضه یکشاهی قرار داده است و در نرخ سایر اجناس هم هرقراری که داده شد اطلاع داده خواهد شد چنانچه بدقت

ملت پرست. صاحب اقدام و فعالیت. بیطمع و حرص. مساطر در عمل باشد معلوم است که شخصی مان صفاقت در ملک ما حکم اکسیر اعظم را دارد ولی از حسن اتفاق در مسئله ارزاق شخصی و مناسب نه تنها اعلی حضرت هیونی و وزیر اعظم شناخته اند بلکه تمام طبیبان از کاس و ناجر و علما و اعیان و وزراء دایسته میدانند و ارجان و دل طالب این وجود محترم هستند. آری کسیکه چشم از اصراس و طمع پوشید در نزد خدا و خلق محبوب و در ستون تاریخ عالم ذکر خیر و نام جیدش بیادگار می ماند

زنده جاوید ماند هر که بیکو نام زیست

و همیشه مشار بالبنان، ممدوح باللسان واللبان است. این مرد نامدار فرموده کردار هانا مختار الساطنه و در سابق آمده است که شرح خدمات و رجفات آنرا مکرر همه مشترکین حریده مدسه خوانان و دیده اند. وسیع سواره معرفی به (ژاندام) آبر او است. تسلیح طرق و شوراع دارالخلافه از مائراو سه سال وزیر نظمی بود چون این اداره را ترقی داد که با یکی از دول عظام از حیث وسیع و ترتیب و نظم دعوی مفاسد میکرد. در آن ایام که قحط و علاء تمامی ممالک ایران را فرا گرفته چنان امور را معطم کرد که تمام ارزاق در نهایت فراوانی و اردی شد. ابوب سرقت در زمان او بالکلیه معدوم گشت. بانیس که با آ بوقت عبارت از جمی چرسی و وافوری سر و پاره بود بنوعی مراتب ساخت و باشرف نمود که بسیاری از اطنام ابناء خود فرستادند در حزه سوار ژاندام در معرفی این مرد ما محتاج بزحمت نسیم زیرا که غراس از این بیانات معرفی مومی الیه است باهل طهران و آنان همه را ما بهتر احوال اومسبوق اند هر وقت مردم قدری تشکی در اوراق مشاهده میکردند میگفتند حدایا مختار السلطنه را برس

بتصویب شاهزاده وزیر اعظم عمل اسعار و ارزاق و تشکیل مجلس نرخ بکف نهایت این مرد خردمند تفویض شد سه روز نگذشت که نان و گوشت شروع بارزانی و فراوانی نمود خباز و قصاب و غیره از بیم عدالت ده سیر را یازده سیر دادند از نان و گوشت هر یک یکپایی کاسته شد چنانکه شرح آن در اعلان مخصوص ذکر شده است

ملاحظه شود گوشت گوسفند یکمن شش عباسی از قیمت حایه تنزل کرده است چهار عباسی ارزان شده و یکمن و دو سیر و نیم هم کم میفروختند حالا تمام میفروشند همینطور در قیمت نان هم یکمن دو عباسی تفاوت کرده زیرا که یکمن پنج سیر کم میفروختند باز محض مزید توضیح نگارش میشود که گوشت یکمن چهار عباسی و نان یکمن یکعباسی از قیمت سابق تنزل کرده است و حالا که گسه تمام میروشد و سنگها را صحیح کرده اند باید عموم اهالی بدعا گوئی وجود مقدس هایونی ارواحنا فداء مشغول بوده از اصناف هم راضی باشند فی شهر فوق (کریم مختار السلطنه)

مقتضی آسایش و رفاهیت است در امورات نوح مذاکره کرده قرار لازمه داده شود ولی سایر مردم هم که درد وطن و نوع برستی دارند و آسایش و رفاهیت مسلمانان را طالبند چنانچه چیزی را که راجع با آسایش است بنظرشان میرسد آزادند که در مجلس حاضر شده بدون ملاحظه اظهار نمایند زیرا که مشورت در امورات امر حضرت رب العزة جل شاه و فرمایش حضرت رسول صلی الله علیه و له است دیگر بعد از استحصار از این ترتیبات و اعلان البته هر کسی مطالب خودش را که راجع خدمت دولت و ملت در تصحیح نرخ اجناس و غیره است در مجلس حاضر شده اظهار نماید (کریم مختار السلطنه)

بعد از فراغ از عمل نان و گوشت رحیب امر قدر قدر همیونی و حکم وزارت اعظم در صدور تشکیل مجلس تعیین نرخ برآمده مجلسی که تا امروز دایر نگشته بود دائر شده سپس اعلان نمبر ۲ را مقرر ساختند

اعلان دوم

چون از طرف قرین اشرف بندگان اعلیٰ حضرت قدر قدرت اقدس شامشاهی ارواحنا فداء بندگان حضرت مستطاب اشرف اسعد والا وزیر اعظم مدظله کلیه انتظام نرخ اسعار ارزاق شهر دارالخلافه الباهره را باین چاکر دولت ابدآیت رجوع و مرحمت فرموده اند محض از دیاد دعا گوئی دات مقدس ملوکاه ارواحنا فداء برای انتظام این امر مجلسی منعقد کرده است بدو هفته یک روز از طرف اصناف و طبقات مصلحه دلی دو نفر این که خودشان تعیین نمایند در مجلس (از جانب تجار محترم) (از طرف تجار میسجی سه نفر دوت علیه ایران) (نوازخانه) (خازخانه) (قصابخانه) (کفشدوز) (کلاه دوز) (خیاط) (بقال) (علاف) (رزاز) (حداد) (مسگر) (سیباغ) (دباج) (سبغ فروش) (عطاری) (تداف) (کله بز) (فرش فروش) (میوه فروش) (تنباکو فروش) (تونون فروش) (زرگر) (قناد) (سمسار) (سراج) (علاقه بند) (بسک دار) (بناء) (نجار) (کوره بز) حاضر شده هر صنفی هم که از قلم اقتضاده است باید مثل سایر اصناف دو نفر برای حضور در مجلس تعیین نموده آراء خودشان را اظهار میکنند هر طوری که

بعد از انتشار این اعلان کسی فرستاده جمیع اصناف را خبر دادند که یوم دوشنبه هشتم شهر حاضر در حایه مختار السلطنه اوایل روز اشکال این مجلس خیریت دلایل حواهد بود در موقع مذکور دو شده هشتم صبر از هر صنف حاضر شدند در یک اطاق بزرگی بطریق مسجدی منی در پشت سر یکدیگر نشستند کلیه این جمعی در این مجلس با اینکه دفعه اول بود و عقیده عمده بر این بود که فائده ندارد باع بدوست نفر بود محراب بنده نسبی و فقهی وانی بر غرض و شغل و ترتیب این انجمن ادا کرد که صورت آن از فرار دلیل است

نقاط جناب ممتاز السلطنه

آه ایان محرم و برادران وطن - در دستگاه الهی هر کار را حشر و هر گروه را پاداشی مقرر است که هیچگاه در آن تخفیف نمی شود - آدم ابوالبشر با اینکه ساه در ساحت قرب حضرت احدیت مشغول عبادت بود بمجرد تحف از یک امر الهی مردود و موح سبب و غضب گردید ما مردم هرگز بدو بجز آدم نخواهیم رسید - پس چگونه رواست که اینگونه دلیرانه اقدام بر معصیت کنیم آنهم مصیبتی که ضرر او بنوع خودمان عاید شود اگر گوئی ارحم الراحمین را لازمه عفو و بخشایش است پس چرا در حق آدم و ابلیس و دیگران عفو نکرد علاوه راستی و درستی و امانت و دیانت مسئله است که فوائد دیوبه آن محسوس است در بناء درستی و نیکوکاری اقدام بکارهای بزرگ میتوان کرد به مملکت

ایران چندین هزار سال بود پادشاه داشته تزیین تمدن و نظام و لشکر و خزانه و اسلحه زیاد و خود بود چگونه شد يك دفعه مشق اصحاب سر و پا برهنه از چیز پرتالعرب بر سر آورده دولت سه هزار ساله را متصرف شدند و مالک رقاب ایرانیان گردیدند ما را این مسئله نبود مگر راستی و درستی و متابعت قانون نبوی چون دختر خسرو را باسیری گرفتند يك سر بطرف مدینه بردند با اینکه وجاهت و لطافت و ظرافت آن موجب تحیر بینندگان بود و هم قوه ممانعه و مدافعه نداشت در میان هزاران لشکریان بهمان حالت بکارت وارد مدینه شد البت با این دیانت و امانت میتوان عالم را تسخیر نمود - شما که امروز خود را مسلمان میباید آیا ممکن است هزار درجه کمتر از این امانت و دیانت را مرعی دارید - منکه سالها وزیر نظمیه بودم از وضع حال این مسلمانان ظاهری دروغین چیزها میدادم که اظهار آن باحدی ممکن نیست - جوی در پی مسکرات و مکیمات و گروهی در صدد اطفال وطن که سرور سینه و مایه امیدواری همه وطن پرستان است تقاده و حزبی در خیال عیال و اطفال و ناپوس هم دیگر اند جرس و بهنگ ویژه و افور و قار و سایر منیبات و مفکرات بحد کمال رسیده هر يك در صدد اند که مال دیگریا بر عنوان ~~حکمه~~ باشد بچنگ آورد - آیا این طریقه مسلمانان است آیا این است عمل کردن بشریعت حضرت خاتم النبیین شخص که معتقد بمبدأ و معاد است و خود را از امت بیخبر میداند چگونه روا میدارد که يك زن سیوه فقیر یتیم دار که چندین طفل را باید گذران دهد چون بدکان او آید يك عباسی جنس بخرد بچشاهی مال و برا بکم فروشی یا گرانی یا هر دو سرقت نماید این است که يوم فیوم حال ما در نیاهی است زیرا که انصاف و برع دوستی و مسلمانان مفقود گشته است - امروز اگر تمام ملل عالم را بدقت ملاحظه نمایم معلوم میشود که هر يك را با آنکه ما کافر میدانیم آنها در اعمال و افعال نزدیکتر بشریعت اسلام هستند از ما که خود را مسلمان میشاریم

بزرگان و رؤساء هر قوم را لازم است که در اینگونه احوال که فتور و قصور بحال ملت راه یافته است بنظر دقت در اصلاح اعمال آنها بکوشند و بدون

غرض و مرض در حل و عقد امور مداخله نموده و شر و خیر و قبح و ضرر را تشخیص دهند هر امری را بر طبق قانون مجری دارند در مسئله ارزاق که محل حاجت عموم امراد ناس است تا اکنون میزان صحیح و قانون محکم مقرر نبود مجبور بودید که همواره بسختی و تنگی زندگانی کنید از عیش و طافیت برکرانه باشید - پس امروز که شما را مختار نموده اند و زمام این عمل بزرگ را با شووای بشا رجوع کرده اند باید اتلاً قدر این نعمت را بوجهی بشاسید و بدانید که این اول مجلس است که از بدو دولت عجم تا اکنون مرتب شده - دیگر عذری ندارید و نمیتوانید بگوئید فلان حاکم یا بهمان وزیر موجب تسخیر شده است و من اگر چه از طرف دولت متبوعه علیه نایبند این مجلس میباشم ولی نیک بدانید که نیستیم مگر یکی از افراد شما از خود رای و اراده ندارم طمی بشا و غرضی از تشکیک این مجلس ندارم مگر راحت ملت مسئله حکمرانی و فرمان روائی در کار نیست من خود را خادم بلکه بوسکر و جا کر شما میشارم آتقدر نمایم که نتیجه صحیح از گفتگو حاصل شود آنگاه هرگونه مطلبی و فرمان بمن داشته باشید بجان و دل حاضر من حتی آنکه اگر صلاح شما و مصلحت بنی آن باشد مرا امر کنید که خود رفته ترازو داری کنم با کمال ممنونیت حاضر من اگر باور ندارید بامتحان برآئید - ثانیاً اغراض شخصی و امراض منیت را از خود دور کنید تا راستی و درست کاریتان منتر نمرد و نتیجه گردد - و در نزد خداوند گناهکار و مقصر نباشید و در نزد مخلوق نهمت رده و سر افکننده نشوید شهر طهران دارای چهار صد هزار نفوس است در بین این همه جمعیت شما را که بمنزله روح وجود آنها اید در این مجلس و دعوت کرده اند پس شما نماینده چهار صد هزار نفر و از جانب آنان وکیل و در اصلاح عمل ارزاق بمقتضی وظیفه و تکلیف خود رفتار کنید - خیر خواه عموم باشید در غرض و خیال متفق شوید از لجاج و ضد گوئی اجتناب را واجب بدانید - قبح پرست نباشید تکبر را کنار گذارید این بار افتاده را بمعاونت یکدیگر بار کنید چون تمام از افراد يك ملت هستید بنظر شفقت و دوستی یکدیگر ملاحظه کنید که هیچ چیز چون فساد

گندم دارد اختکار میکند و میخواید گران بفروشد پس از آنکه قیمت گزاف فروخت سایر اجناس را بختاج خود را بهمین علت گران خریداری خواهد کرد چه ضرر دارد که ارزان بفروشیم و ارزان خریداری نمایم (باقی دارد)

تلاکرافات

(۲۶ ربيع الاول - ۱۱ جون)

§ خبر (روتر) از (مکدن) خبر میدهد که لشکریان ژاپون (کینک) را محل تهاجم قرار داده بین (کینک) و (سیامتی) جنگ مغلوبه بوده است
§ سرداران روس مرکز قشون خود را فعلاً (لیایانک) قرار داده اند

§ چینپا روایت میکنند که در نواحی بندر آرتر لشکریان ژاپون خیلی قوت گرفته مظنون است که بزودی حمله شدیدی بر بندر (آرتر) بنمایند
(۲۷ ربيع الاول - ۱۲ جون)

§ امیرالبحر ژاپون (توگو) خبر میدهد که دسته از لشکریان ژاپونی بوم سه شنبه بر زاویه (کینک) حمله نمود و قطار راه آهن که حامل قشون روس و بجانب جنوب در حرکت بود نابود ساخته و از طرف دریا نیز کشتیهای جنگی ژاپون خشم را هدف گلوله ساختند مظنون است که درین میدان نقصان ژاپونیان نیز زیاد باشد
§ کیسیون لشکری ژاپون رسماً خبر میدهد که در جنگ (تاشان) هفتصد و چهار نفر روسیان دفن شده اند

§ صنایعکه در سال (۱۹۰۳) در (یاما) ظفر یافته انحراف از قانون ملی نموده تفنگ تازه اختراع کرده چون حکومت مانعشان آمد یجیدی زیاد درکارها پیدا شده (امریکن نیشنل رابول ایسوسیوشن) رفع این فائده را بدین نموده که تفنگهای جدید را بتدن گسیل دارند

§ بموجب تلاکرافات (روتر) که از اسلامبول میرسد اجرای مجوزة اصلاحات دول در (سامان) مخالف با میل اهالی شده اسباب نزاع و خونریزی پیش آمده عده زیادی بقتل رسیده اند

(۲۸ ربيع الاول - ۱۳ جون)

§ در پترزبرگ افواه است که جنگی سخت در

اخلاق شیرازه يك ملتی را از هم متلاشی نمیسازد. اگر یکنفر اظهار رأی خود بکند بچشم حقارت بطرفش ننگرید و نگویید. من تاجرم او کله بز. آخر چه منافاتی دارد که خداوند کله بز را کله تمیز خیر و شر بدهد. و بمقل او چیزی رسد که دیگر را وصول بآن ممکن نشود. حضرت امیرالمؤمنین فرموده (انظر الی ما قال ولا انظر الی من قال) هیچ شخص را مراقبت نداشته باشید مگر بر فعل و عقل و درایتش. همین قدر بشما میگویم که نرس نداشته باشید. و تصور نکنید که چون بدین جامع شوید شما را من یا دیگری جرمه کند. و بجهت کمال تأمین و آسودگی خیال تان صریحاً میگویم که من راضی نیستم این مجلس در منزل و خانه شخصیم باشد. زیرا که در خود جنبه فضل و تقوی بر شماها سراغ ندارم. فقط امریکه راجع بمن است همان اجرای خیالات شما است. آنچه را همگی یا اکثر همه بنهند معمول خواهم داشت. و چنان که در اعلامهم صریحاً نوشته ام هر چرا هر يك از شماها و سایر مردم در عقل خود تصور نمایند باید با کمال آزادی و حریت در این مجلس عنوان نماید. از کسی و اعمه و خوفی نداشته باشد. در این صورت چون مذاکرات این مجلس راجع بنخیر و صلاح بندگان خداست و هوش و مقصود رضای خدا. بهتر این است که در خانه خدا نیز برپا شود تا راجع بکسی مخصوص نباشد و از شوائب توهمات نیز دور بر است

مسئله نان و گوشت را که بجمداق الله اندک اصلاحی من خود کردم. و امیدوارم که تا آخر ماه یا قدری بعد از آن بمیزان یگتران وا دارم (یعنی نان یکمن یگتران و گوشت یکمن چهار قران) پس در این مجلس که روز فرخنده و بدو افتتاح مجلس ملی میباشد خوب است در خصوص برنج و روغن و ذغال و بعضی اجناس دیگر صحبت و مشورت نمایم. تا اگر ممکن است تخفیفی در قیمت آنها داده شود که موجب رفاه حال عامه و مزید دعا گوئی اعلیحضرت اقدس شهرباری و وزارت عظمی گردد تارای شما چه اقتضا کند

البته هر یکی از ماها متاعی و جنسی که داریم مایلیم گران بفروشیم و حال آنکه چنانچه بدقت ملاحظه کنیم باین واسطه که جنس خود را قیمت گزاف فروخته ایم در عوض سایر اجناس را گران خریده ایم مثلاً یکنفر يك من

بندر آرتن شده از طرفین جبهه کثیر بقتل رسیده اند
 § سردار نامدار بحری روس امیرالبحر (اسکرملوف)
 تکراراً خبر داده که دسته کشتیهای جنگی (ولادی ووسک)
 هنوز شهر حال بفاصله ده فرسنگی بندر آرتن برای
 مایه با کشتیهای جنگی ژاپون آمده چون کشتیهای
 جنگی بندر آرتن با آنان شامل نتوانستند شد بمقام
 اوابا خود عودت نمودند

§ حرکت اردوی (جنرال کروکی) بجانب (ایبانک) و
 (مکدن) ظاهر میشود و اراده وی شمولیت با اردوی
 جنرال (اوکو) است که بجانب بندر (آرتن) حرکت
 کرده است

§ دو هزار لشکریان روس دیروز با حالت ابتزاز
 وسط نیوجوانک با مجروحین و بیماران بسیار عبور
 نمود از میان کیفیت حال خود انکار نمودند

§ بموجب خبر تازه که از (نیوجوانک) رسیده
 لشکریان روس بدام تدویر قشون ژاپون افتاده هستند
 نفرشان تپاه گردیده اند

§ سردار روس جنرال (خارکیویچ) خبر میدهد که
 دوازدهم شهر حال لشکریان ژاپون از (سیوین) بجانب
 بالا حرکت کرده در آنجا قوت خود را زیاد می نمایند

§ بین لشکریان روس و ژاپون در (وافتکو) و
 (وافنگ تین) که در شمالی بندر (ادم) واقع است
 تنور جنگ گرم است

§ اشرار (مراکو) فرمان سلطان خود را گردن نهاده
 وعده رهائی دو نفر امرای فرنگی را نموده اند ازین رو
 کشتی جنگی انگلیس (پرسی اف ویلر) از (تایجیر)
 حرکت نمود

(ارل پرسی) در دارالشورای ملی انگلستان
 بجواب سؤالی اطهار داشت که امر فرقه جدید کورک مایه
 قلت ورود چای در ایران نکرده است

(۲۶ ربيع الاول - ۱۴ جون)

§ سردار بزرگ بحری ژاپون امیرالبحر (نوگو) خبر
 میدهد که شلیک کشتیهای جنگی بر شرقی جزیره های
 (لیاواننگ) و شهر (لیننگ) این نتیجه را بخشود
 که سه هزار لشکریان روس در (کنگهو) بیست عمده
 توبرا گذارده فرار کردند و چهار کشتیهای مونسک
 ژاپون بیرنگهای دریای را در بندر (آرتن) و تاپیون

و رودخانه (پچیل) جمع کرده دریا را بصف نمودند
 § مخبر (روتر) از اردوی مرکزی (جنرال کروکی)
 خبر میدهد که تا کنون در هر میدان بزرگ و کوچک
 و زرد و خوردهای روزانه سکه بین لشکریان دولتی
 متنازعین پیش آمده ژاپونیان تقدم جسته غلبه بر روسیان
 کرده اند

§ روزنامه (دیلی تاگراف) لندن می نویسد که ژاپون
 يك كشتی کوچک جنگی که در (تارویچ) تعمیر شده
 خریداری کرده با دو نفر دریا نوردان امریکائی روانه
 شده است

(۱۵ ربيع الثاني - ۱۰ جون)

§ مخبر (روتر) از (نوکیو) خبر میدهد که کشتی
 (تیهوکامارو) در دهانه بندر (آرتن) به تعمیر سرنگهای
 دریائی مشغول بود که غفلتاً یکی از سرنگها ترکیده ده
 نفر را مقتول و نه نفر را مجروح ساخته بر کشتی نیز
 نقصان کمی رسانیده است

§ ژاپونیا چهار جہازات تجارتي را که مملو از برنج و
 آرد و ساژ ماگولاب و بجانب بندر آرتن روانه بود در
 قرب (چیفو) گرفتار نمودند و در مجلس (تاژای)
 شکایت رفته که چرا باید تجار حارجہ حمل اشیاء به بندر
 (آرتن) نمایند

§ دولت روس اعلانی شایع نموده مفهومی این
 است که از شصت و يك قسمة تصرفات خود جمیع
 قشون ذخیره طلب شده است

§ کشتی (جنرال سلوک) که حامل هزار و پانصد اطفال
 مکتب بود در (سیواریک) آتش گرفته باسد رن و بجهه در این
 حریق سوخته بسیاری نیز غرق و مفقودالار شده اند

§ از طرف جنرال (کرویاتکن) و جنرال (خارکیویچ)
 و جنرال (استاکلبرگ) در پترزبرگ این خبر تصدیق
 شده که جنگی بسیار شدید در شمالی بندر (ادم)
 پیش آمده لشکریان ژاپون از جزیره (کواننگ)
 بجانب شمال حرکت کرده اند - جنرال (خارکیویچ) خبر
 میدهد که نام شب یازدهم و دوازدهم شهر حال تنور
 جنگ بین لشکریان ما و ژاپون گرم بود عاقبت لشکریان
 روس مجبوراً بجانب (وافتکنج) که بطرف مشرق
 فوجان است عودت نمودند

§ جنرال روسی (استاکلبرگ) خبر میدهد که بتار

چهاردهم شهر حال بر (واقانگنج) لشکریان ژاپون حمله آورده سنگرهای مرا گرفتند از آن بعد لشکریان روس حمله شدیدی کرده با تلفات بسیار سنگرهای اولیه خویش را متصرف شدند

§ جنرال (کروباتکن) تصدیق می نماید که لشکریان ژاپون دو قسمت شده از دو جانب پیش می آیند

§ جنرال (کروباتکن) خبر یافته که سی هزار لشکریان ژاپون بجانب (سحنسن) که در شمال مشرق (فینگ هانچنگ) و (مکن) است حرکت نموده اند

§ در (توکیو) خبر رسیده که جهاز جنگی روس (بویک) از بندر (آهر) بیرون آمده بر کشتیهای جنگی ژاپون که حلو راه عبور و مرور جهازات را گرفته حمله نمود ماست

§ در دارالشورای ملی انگلستان مستر (ناروس) سؤال نمود که آیا اجازه بندر (ویپایوی) وقتی که ژاپونها بندر (آهر) را قبضه نمایند حتم خواهد شد یا نه؟ (ارل برسی) اظهار داشت که بموجب عهدنامه سال (۱۸۹۸) دولت انگلیس مادامیکه روس در بندر آهر باشد (ویپایوی) را متصرف خواهد بود. چون بندر (آهر) از قبضه روس خارج شود (ویپایوی) را نیز انگلیس رها خواهد کرد

§ از (توکیو) خبر رسیده که امیرالبحر روس (اسکردلوف) امروز علی الصبح چند جهازات ژاپون را تعاقب کرده و بر آنان شلیک نمود. این حادثات در قرب (ایکی) واقع گردیده و نیز بر دو کشتیهای دیگر ژاپون که از بندر حرکت کرده بودند حمله نموده یکی فرار و حال دیگری غیر معلوم است

§ افواه است که کشتی (توناکا)ی روس جهازات جنگی ژاپون را بخود مشغول ساخته تا کشتیهای دیگر بامداد وی از (سایبو) حرکت نمایند

§ امیرالبحر ژاپون (توگو) خبر میدهد که کشتی (توناکا) ده کشتی دیگر را بمعبیت خود حرکت داده ساعت هوازده روز بمقابله ژاپونیایکه بر (شادپنکا)، حمله نموده رسیدند. ژاپونیا آنک مرعوب شده عصر از آن مقام حرکت کردند. با اینکه سخت هدف شلیک جهازات روس بودند تصانی بر کشتیهای ژاپونی وارد نیامد § از (توکیو) خبر رسیده که ژاپونیا به نصب

سرنگهای دریایی در دهنه و اطراف بندر آرتر بدوین زحمت و مبالغه مفضی المرالم گردیدند

§ بموجب خبریکه در (توکیو) رسیده هفت هزار لشکریان روس در جنگ (واقانکو) شامل بوده از آنچه يك هزار مقتول و مجروح شده چند هزاره توب را از دست داده با پراکندگی خیال و ناخستگی حواس و نظمی و بی قاعدگی منتشر و پراکنده گردیدند

§ بموجب خبریکه از (ایابانک) رسیده مجددا بشدت تمام از دیروز آغاز بجنگ شده است

§ افواه است دسته جهازات جنگی (ولادی و دسک) بجانب مشرق حرکت نموده اند

(۲ ربيع الثاني - ۱۶ جون)

§ جهازیکه در بندر (نیویارک) آتش گرفت هزار و شش صد نفر اطفال مدرسه را حمل داشته که برای تفریح و تفرج در او سوار شده بودند نعلش چهار صد و چهل و هفت نفر بدست آمده و هزار نفر مقتول الحبرید آتش ارمطبخ خانه بلند شده در عرصه نیم ساعت جهاز بدین عظمت را خاکستر نمود

§ دولت ایسالی نیز درباره آرامنه قائم مقامی به باهالی فرستاده است

§ مخبر (دوتز) ز (توکیو) خبر میدهد که يك کشتی ژاپون که از جنگال کشتیهای روس که تح امرایر البحر (اسکردلوف) بودند فرار کرده ظاهر میدارد که دو کشتیهای دیگر که معیت او را داشتند بقبضه روسها در آمده ازین رو ظاهر میشود که نقصانات ژاپونیا بسیار شام است

§ سپهسالار روس جنرال (کروباتکن) واقعات جنگ (واقانکو) را چنین می نویسد که از اول شب آثار جنگ شد و تا عصر روز دیگر جنگ قائم بود از رسیدن کمک لشکر ژاپون اشاره نه نموده است

§ حالات این جنگ بقسمی که ژاپونیا انتشار داده این است بانصد لشکریان روس در این جنگ بقتل رسیده و سیصد اسیر شده اند چهارده هزاره توب غنیمت لشکریان ژاپون گردیده نقصانات ژاپون رو بهر طرفه هزار نفر بوده است ولی این نکته تصریح نشده است که این واقعات راجع جنگ چهاردهم یا نوزدهم است

§ (مانچن) که سن نیلی جنوب شرقی (شنگنگ) است لشکریان ژاپون قبضه نمود آوردند

§ جنین (پومکرف) فرمانفرمای (فاند) در حینکه بمشورخانه داخل می شد پسر مشور مشورت بخانه که هماره بر مخالفت وی سخن میراند و او حمله کرده خوبش را نیز هلاک نمود. فاند یکی اره و مجابت روس در اروپاست که اهالی آن در این ایام سره عاوت بلند کرده و هماره از سحتی های قانونی روس شکایت داشته اند

§ در اسلامبول افواه است که از ۲۵ شهر گذشته تا کلون سه هزار ارامنه مقتول و بخانه قصه را آتش زده اند (این هم یکی از رازهای پلنگی روتراست)

(۲ ربيع الثانی - ۱۷ جون)

§ فرمانفرمای (فلند) عاقبت جان بردار شده جهان حراحت که پسر رئیس مشورت حابه و او وارد آورد از دنیا گذشت

§ (اول پرس) در دارالشورای ملی انگلستان اظهار داشت که تا کنون اعماله تصفیه نیافته است که رنگار و بهارا دولت انگلیس در مستعمرات خود شمولیت دهد

§ از جنرال (استاکلبرگ) خبر رسیده که در جنگ (وافتکو) ژاپونیان قه و نیکه بحاجت راست حرکت داده بودند عودت داده بر لشکریان روس حمله نمودند و ما مجبور معاودت از جانب شمال سه راه شدیم شاید های بی دربی حسم سیزده توب ما را خراب نمود

(۳ ربيع الثانی - ۱۸ جون)

§ در پترسبرگ خبر رسیده که لشکریان ژاپون راه معاودت را بر جنرال (استاکلبرگ) سردار جلیل المندر روس بسته اند

§ چهار (کرکدیل) را ژاپون خریداری نموده

§ افواه است که چهارات جنگی امریکا مذباب مغازه با بابالی درباره حقوق ارمه در حاک عمانی وارد خواهد شد

◆ کیفیت عبدالله نام نحویلدار گمرخانه محمره شمه از حال عده قه مزبور که در نحویلداری کرک محمره خیانت بزرگ کرده و مابلی متکفوت سرقه نموده بحاجت کراچی فرار نموده بود در شماره های قبل نوده بودیم

حجاب . . . سردار ارفع عکس هداقه را برای

تدارک و کرفاری نزد جناب منعم السلطان سرتیپ هوسل دولت علیه ایران فرستادند جناب منعم السلطان بدون فوت وقت عکس و برا باداره پلیس بمشور فرستاده پس آفر جنیدی اعصای پلیس در کراچی او را گرفتار نمودند. ولی حکومت هند قبول تسلیم نمودن او را به نمایندگی ایران نمی نمود و بر مقیم چهار ماه کامل درین ماده از روی قانون بر لوله با حکومت مرکزی هند و حکومت محلیه بمشور محاسره نموده عاقبت قرار بر این شد که قاضی عدالت پلیس (مجسرتیت) هرگاه از دلائل و برامین حساب وزیر مقیم عداقه را خائن و محرم شناخت حکم باستردادش به مایسد پس از یکماه تحقیقات کافی که در کراچی شد آخر الامر مجسرتیت حکم باسترداد او نموده عداقه مزبور که در قیدخانه بود تسلیم گماشته جناب وزیر مقیم شد ایشانهم فوراً بحاجت محرم گسیل داشته که پس از تحقیقات کامله سرای عمالش برسانند. و این اولین محرم ایرانی است که حکومت هند تسلیم نماینده ایران نموده که عودت بایران دهد. و از برای سائر محرمین که فرار به هندوستان که مملکت آزاد است می نمایند نیکو دلیل است الحق رحمت دانشنده جناب وزیر مقیم در این ماده قابل همه گونه تمحید است. کسانی که از قانون هند و وضع سلوک حکومت با رعایای جمیع دول خارجه واقف اند تسلیم دارند که جناب وزیر مقیم عملی دانشنده نموده و از برای آتی انطاعات داخلی ایران خلی مفید واقع تواند گردید ایها نتیجه است که دولت از مامورین با علم و دانش حاصل میباید

کالکته

چون موسم بارندگی رسیده و همه روزه اندکی ترشح ناوان می شود سورت گرمی هوا چندان موزی بست از امراض مزمنه مهلهکه بیزشکایت عمومی شنیده میشود عده اموات هم کم است

یوم جمعه حسب معمول هراج چائی شد. چائی متوسط یکی دو بای از هفته گذشته نیز زیاد بفروش رفت مظنون است که در آینده باز قیمت چائی متوسط ترقی نماید جنس چائی ازین و بعد نیز همه هفته بهتر می شود چون بواسطه جنگ اقتصادی شرقی سکه بر تجارت روس واره آمده میگویند اگر روسها امسال چائی کمتر بخرند بازار چائی متوسط قدری متزلزل خواهد نمود

حسرت عظمی بر ملت و دولت ایران

اصول‌الکرامت و احمی‌الملت حاجی میرزا علیخان امین‌الدوله که دولت ایران را رکن و ستون و اساس و تکیه بود تا می‌بود و در گناه و گناه ر بیات خیره و اعمال پیره و سطر حقوق و حومه اصلاح و افکار طالبه و خیالات بلند و مناسبت عقل و استحکام رأی و سلامت نفس و غیرکی قدر و امدی مقام او نحسب و تصدیق داشتند - در کالات صوری و موعوی و آداب و رسوم مردمی و علوم قدیمه و جدیدیم و فنون ادبیات و ترسلات و رموز ناسک و سانس نیکه آفتی و وحید علی‌الاطلاق بود - و نور آبیست و کاروانی و حدت دکاوت و نکته سببی و ترتب عتبه حات میده محال رفی ملت و دفع بواقص ملکی و ساب نمود احاب و مزید اعتبارات معرف چهارسان و مشار نادان و طایفه سر بلندی دواث و ادهار ملت ایران بود - در شه جمه (۲۶) شهر صهرالمطهر در (اشته نشا) ر محال رتب بمرص کلبه عالم فانی را وداع و نداء حق را لبیک احانت گفت - روح ناکش از عتس بدن نشا - ر - بلد طهران ~~کرد~~ و طالی را فرین اندوه و آزار نمود داغ نزرکی بردهای وطن - ان ساد سپه‌ای پر بارانک پاشید دولت عالمه را خسارت عظمی از بیجانت ان مرد بزرگوار که با سبقت کایه اهل حیره و درات شخص اول مملکت بود روح داد - در حبهه حای تأسیب و تهنیت است شخص ما این امانت و دروات عمر براهه سگوه سنان رساید ~~اسکر~~ ما را اندک هوش و شعور میبود - بچین وجود محتره را که آب حمت آسپای و سرمایه سعادت زندگی ملک و ماب ود ناسق بررار دنگان تجای ذمیم تحصیل یخوش بخی در پیروی از خیالات میده او بمانیم - نور و فلاحرا در مناسبت آنوجود بسیارک پیشاپیش ~~سخت~~ اش را یادگار شرف و در متجلی ادر بد باب نص ~~کیم~~ ولی طهر بجهان قدرشرا نداشتیم و حرمتشرا پاوردم فلک صاف ناس را که آینه جهان بود بسک حفا شکستم - رواشرا که روح آساش نوع ما بود خستیم شرح معاصر و ربهه مکارم و ماکر آن بنگاه دهر و حور متصل و هنر را دفتری صحیم لارم است تا شمه ر سنا و یکی از هزار اوصاف حسه و اخلاق حمیده و رحمت فوق المادیه و خدمات بی اندازه و مدارح رحمة عامه و سیاسی و ادبیه و وضع زندگی و سلوک و آثار باقیه او در نسل و دولت دهر شده - ولی محکم (الفائل علی‌الکبیر دلیل) هر چنان است که محملی از شرح زندگی آن دستور معظم ~~ان~~ او و بجهت ان امانات قلم و تکمیلش را بصاحان درات و خیرت وا گذاریم

این مرد دانشور فرزند ارشد مرحوم محمدالملک است که قوت قلم و رصاحت کلام ممتاز و معروف و صاحب رسائل عدیده در مسائل بلیک ، سیاست است محمله رساله عهدیه که در آنجا وضع مملکت ایران را در مامل شرح میده و فی الحقیقه آنچه را ما در این چند ساله باعیان مشاهده نمودیم همگی را پیشین گوئی نموده است با عباراتی شیرین و بیانی مطبوع و دلگش که خواننده را شغف و شویده را بوحشی آورد و در این ارباب ترسل و امانت و ساحان قلم صریح ، د و مامی ارحمد دارد

حاجی امین‌الدوله دوه‌بادی عمر که بدانت عهد شاهنشاه شهید مرور امارتت برماه بود باقتضای لیاقت فطری و و ، عمل و هوش بلیبی و دانش کسی که سرآمد مصاطت طایه اسانی است مرار و عایب و در خور الطاف ، به حسروانی آمده ساها در خلوت خاص سلطنت مشغول خدمت و منشی مخصوص حضور همیوی بودند - و . ر سک و سابقه و سران ~~مکتوبات~~ و نوات خاطر خطیر پادشاهی و اسرار ملکی و سیاسی و مصالح مملکتی حیرت ، صرتی دریا حاصل بود و اکثر انا ساعت پنج وشش از شب در خلوت همیوی بسر میبرد تا در سال () حسب الاستحقاق بلب (امین‌الملکی) و منصب وزارت رسائل نائل شدیم - اداره پست که از بدو تشکیل دوا ن هیچگاه منظم و مرتب نبود و اکثر موجب تحمیلات بر ریایا و امالی قرای وسط ره میشد در همان هت میده حکمایت و کاروانی مهم ایله مبوس و واگذار شد در اندک مدتی از این همت و حسن سیاست شان چون اداره پست یکی از محاکم قرنک مرتب و منظم و یکی از ادارات بزرگ

دولتی محسوب شد خود و دولت را بمانع پیمان رسانید
و مطالبه را از خود و بعدی آسوده نمود - تجارترا که
بدون بست و رونق بود رونق بخشود و وسیله آگاهی
و اطلاع را فراهم نمود

در سال (۱۲۹۵) هجری که پادشاه معزول ایتالیا
(هومبرت) بمرور سلطنت جلوس بنمود مرحوم
معظم الیه از طرف فرین الشرف شاه شاه شهید سمب
سفارت مخصوص رای اطلاع بمرتب از طرف لود و راما
نوبل) پادشاه سابق و همت جلوس و باج گدی پادشاه
ناره ملود دربار ایالی گردید - این خدمت عمده را
چنانکه باید و شاید انجام داد پس و مراحم ریاده
مورد اشتیاق و الطاف شاه شهید شهید شده اداره
دارالشورای دولت و در سلطنت بیامع و امر سلطنت مجلس
شوری بر بعهده امانت و لیاف این مرسوم گردید
در سال (۱۲۹۷) و رات و طبع و وهی ملک
مخروبه که راجع ولد برزگوارش مرحوم عبدالملک بود
ارتا و استحقاق صمیمه سار شاعل و مهم اش
نگرید در سال (۱۲۹۹) که مراب دانای و کارد پس
گویند خاص و ط و باعلاق داشتندان خیر
عمره اول رجال سیاسی عصر خود گردید تلف حایل
این دولت) که برزگترین دولت دولت رور امرواست
ملک شد یوما فیوما صیب و آواره عهل و ریتی
امروز شد تا آنکه در سال (۱۳۰۴) بریاست مجلس
وزراء و دارالشورای دولتی که در هر دولت و مات اعظم
مناصب و اعلی شئون و و طیف است و مدد گردید -
در مطاوی این احوال کوک محوسب ابرایس
از افق شرارت و نقاب جاوه کرد و رو کار سای
کچ رفتاری ساد مقام امور جمهور بدست فرومایگان
افتاد - شارلاتانی رواجی وسیع باه حیل و دسیسه و
ایده مردمان برک مرسوم و معمول گشت هر کس
و ناکس تکیه بر جای برزچهر و سلطان الملک رد کار
مملکت از نظم و ترتیب داد - این مرد معظم که مستعمل
چال و چامته بیال را مشاهده نمود از امور امرو
و ملول گشته مداخله در مهم کفر میفرمود و جرد -
مواقع لارمه چندان بدربار معرفت و بحال ملک و مات
انفوس میخورد چندی بد مسئله دظانبات و انقلاب
این ایام واقع شد که نتیجه طبع خرد غرضان بود و

احداث اختلاف بین ملت و دولت شد دست که مباشرت
اینگونه بست نژادار چه نتیجه خواهد داد ناچار صر
و شکایتی پشته کرد و اطرسکالیف و مرائص لارمه و طبیه
از قیام احداث راه آهن و کارخانه سد سازی و کندن
چاه ارتیران و غیره پس در ... موایقی خواست بدمد
ولی دشمن دولت و اب این هر حمله که داشت
و هر وسیله که توانست و نوع فرهم نمود و بنگونه
کارها را که موجب ازدیاد صنایع و رور و مان بود
محل گردید شاهنشاه شهید که از عهد و رار حاهی
میرا حسین خان سپه سالار م و حارم بر حراه
فواصی اسایه بود م فرمودند که معرفی الیه ک آنچه
راجع مواد قانون داشته - تا در موقع احراء کرده
شود معصم له ساج را بوحی مرتب نمود که دشمن و
دوست برادر مقام بوسنده و مراتب و طور بد و وسعت
افکار و ... و معرفی بدمد در حای همین مورد
اسی طاف و اسدی گردید مرحومی صدر شد که
موادس در م احراء ایا آندس که همراه مانع رقی
وطن بود که همگانش موی میدادند عرس هساز و
حیالات سیاسی انواع فائک و اکادب و فسام مکر و
بدور کار رد ما بر مرم و و بیان این اساسی
معنی را بنیت پیدا کرد نمود (۰۰۰۰۰)

(و برش برار اولف پر سانش کن)

و بر درها او احر برتاب خییی برای پوشخت
شرعی و عمرتی و محرتی ... نمود و ...
در سطح آواس طام شرف مدور یاف که براس
همین شخص معصم داره تشکیل بلد که مرمع ...
بود. موایقی دولت ...
و صسط شود - و ...
معری الیه صرح فرموده بود ...
رفار شود تا بحال دیگر ...
از جهت امرا و املاک موقوف و موقوف خواهد شد
بار عدو نام است باب ...
عدن انداخته اینرا هم ...
خلاصه - اگر نك عمده و گرمی را از ...
ودوات میکنند دیگری مرا گره محکمتر برد (مرجه
این بکشاد آن میست) داشت که با آن وسیع مرجه
زحمت کشد تمام پیروده خواهد بود پس نا کلیه ارایه

رس کند یا نهد ملت تمام میشود خوب ا دولت
صمحل میگردد بهتر آجیل ما که کوك خواهد بود
بگران هر چه بخواهد بشود - چاکه در این نام
بر همان اشخاص بنای همین رسمها را مده ولی
بر او شکر خدا را که امروز پرده شان برده شده و دروغ
که نشان حق بر اطفال هم مشخص گردید
خلاصه در محاسن و محامل نشسته و حب و
امان مردم را بخرافات لاطف انشد ان محاب
رفایم آنکه با وجود اطلاع کامل ر عرك بین ساسله
و تسلط تمام روی بیچوجه برامون ایداء و اصرار
او نگشت - و بالعکس جان بیاکش را که در معرض
هلاکت بود و هائی محشید - و املاک و اموال و ا که
تحت توقیف بود بخودش واگدا نمود - برادرش را که
کار برهوائی و وصیحت کشیده و دآسوده - حب ولی
این خود سهوی بود بزرگ دیرا که دت شریک که
جوهر شر و فساد است و موجب آشوب بلاد و عباد
و ساها خلق را اردست صرار آن ~~کار~~ مح و
نگارد باسحان رسیده چگونه ره بد بر حسب حمی
عماد و عوی طبعی از عمارات آن صرف سر رود
و نار - لائق را بدست شرارت آن - پرد آخر معلوم
شد که در مقابل بی همه احساس و محبت چسان حقوق
اورا با سایر رسوم نادان نمود - کار خودی شهر دی
که خون و نوشنش از نك ایچصر - همی پرورش
یاخته بود صرف سر نمود و ازان نعمت و ا - شب
حاصل چون معری اله ر عمل ا ره حسب و
رشته امور بدست دیگری داد ول کار که مر ~~ک~~
شد ایداء این شخص معترم بود ناچار از طران نام
(لشته نشا) گشته در آنجا نشانی براس برمارك براعت و
فلاح خود را مشغول می نمود و هر لحظه بحسب حسرت
بر تباهی ملك و ملت نظر میکرد و ر احار حدیاه که
هر روز ارامه رات تاره محارحه میرسید عسا و بدو هشی
افزون میگردد و صر و شکایتی میدود با خبر و حنت
اثر استقراس و رهن برجات و گمرکات بوی رسد
بالکلیه در قوای طبیعی و دن شرعی صفت و دور
دو بود - هر چه ارایگوبه اخبار میرسید بحسب و تن
او میکاست تا آنکه وقته شنبه حرکت دادن آن مرد
بزرگ از او صاید شد تمام افراد ملت را بر آن عالم

متعیر ساخت و نزدی بجزا و زای خود رسید -
مدنی الیه از عبرت فطری که حلی او بود اقامت در
بلاد خارجه را پسند فرمود عودت نمانه نشا کرده از
احار حدیده امدل - سرت حاصل نمود دیرا که بالغین
دیدش هراده و بر اعسم اوی هم راست دگر آرزوی
مدل ندیده رحب اریں عالم پر حب و ملی را فریب
درج و ادوس نمود و نام یلک و دکر جیل در
صفحه دورکا سادگار نهاد

نام سکی گر باشد - آرمی - رومانده سرای در کار
حکیم سیاسی

گرمی و حرکت فسی شرق - ژمنه - سینه
بزرگ علمرا مرد و حك ساحه و جمع - اسیون روبا
انگشت عبرت بگریه - پواته حرکات در اینه ژان سال
را ر دور - بنگرد جمع حرث روبا کران مه و بد
که حرکات لشکری و عدم حکی ژاپن حاکم آلمان و
فرانس و نقشه جاپان که دمارك کشیده بود در طرها پست
و محو نمود همه بیچگونه احو می نمودند ملک دولت
مختصر آرمی و ملک و جنگ حثه - عرب تا این نامه
این درجه تا این سرعت در عالم مدن ترقی با مان باید
مال ازان - است - ق الکلمه کوه مدله دروی
قسم و نقش د اقی شرق این و بعد دولت روسی
چهره و جمع اعمله خواهد بود - آجندی در راد
ژاپن و خط حرکات - مدوحه حواهرات تا کمرسه
این حرثی بوی - بر ر فضای شرق معدوم گردد
در - م - طلسم می کشد نشانی ژاپونیا - بری
بشروه مصلحت حکی خود کشیده می نماید که درین
نگردد جمع - در روس و لشکران اورا محاصره
نموده همه را غور و تسام نماید - چ د معیت
حزل (کروکی) نك صد و چهل هزار لشکر
و تحت امر حزل (اوسکو) يك صد و بی هزار
مشور و یکصد و هشتاد هزار لشکر را بریز اردوهای
مختلف تشکیل داده تحت او سر سرداران و جنرالان
دیگر گداوده بوج ~~ک~~ و یا و ماجوریا منتشر و
پراگنده نموده سرداران ژاپونی چنان تهیه دیده ~~که~~
مقالبه نا حزل (کروبانکی) را با چهار صد و بیست
هزار قشون به باید - و از روی تحقیق حزل کروبانکی
در برابر این همه لشکر جرار خصم اصافه بر یکصد و

بخواه هزار قشون نمیتواند حاضر نمود و حرکات قشون ژاپون میرساند که محاصره جمیع لشکریان روس را مضموم اند و این فقط قوه بری ژاپون است

قوای بحری او، اولم داشته اند که روس هیچگونه کاب و متسلطه با ژاپون ندارد چون دریا در قبضه ژاپون است در صورتیکه روس بتواند قشون زیاد با این مساوت بسید نماید، متسلطه با ژاپون بفرستد هیچگاه اراءیده و اندن سیورسات و آده قه آنان بر نخواهد آمد ازین رو میدان کمیت که متسلطه با ژاپون برای روس در اقصای شرق در این میدان دشوار تا که محال است علاوه بر این چون دولت روس تا این امدال شرقین نمیتواند یک مرتبه لشکر محاسب و آنچه را سوق دهد هر قدر روزمره کمک رسد ژاپونها زیاده بر آن را معدوم ساخته و دوگانه بر فوت خوایش می افزایند

بعین دولت ژاپون فرما مریطی مستعمل در منچوریا صرف با امره داد که تسخیر منچو، با رایش با افتاده دانسه و این مدت نیز بر وقت لشکران ژاپون می افزاید بدین معنی که امروز سرداران ژاپونی که همه روزه قوای بی دردی کرد و هر ااعت شهر و وسیله را از روسیان گرفته مصرف می نمودند مجبور اند که در حفظ امنیت آعدام نیز کما حد را نه نمایند و این امر آنها را از بی سرو در او می باز میداشت اشک که فرما فرما مریطه داشتند سرداران ژاپونی بدون دعوت خاطر هر نقطه را که تصرف نمودند قبضه مأمورین فرما فرما داد با اطمن خاطر منوجه مسود میگردد و نیز در شکی که تحت تسلط و ترن اشک لاجاله رعایا احساس شده خوف بلوی میرو و ولی چون حکومتی بالا تملان داشته باشد جمیع این تقاضای صرف میگرد

رهها در فتح مایس شده و لشکران و سرداران او مرعوب و افرد دل گردیده اند و آن باد ضرور و نحو تیکه در سرشان بود و از روی عدم علم باسته اد ژاپون در هیچ نمی شعرند از سرشان بدر رفته چنانچه سرداران حایل اند روس بیان نموده که درین میدان فتح برای ما میسر نیست و این صدمه که روس می بیند از جهالت سرداران اوست که از استهاده خصم خبر نداشته بیگدار با آب

زده اند - جمیع دول متحیر اند که این اختراعات جدیده جنگ را که امروز ژاپون در مقابل دشمن بخرج میدهد از کجا و چه وقت مهیا کرده است حرکات جنگی ژاپون جمیع دول را مهوت و مرعوب ساخته انقلاب عظیم در اوضاع سیاسی عالم مشاهده می نمایند

تلاکرافات

(۳ ربیع الثانی - ۱۸ جون)

§ خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که کشتیهای جنگی تحت فرمان امیرالبحر روس (اسکرلوف) در (کدوک) و (سوکارو) دیده شده از آن بسد بجانب مغرب حرکت نمودند

§ از اردوی جنرال (کروکی) خبر رسیده که سردار موصوف منتظر است تا نتیجه جنگ (لیاپانک) ظاهر شود § سپهسالار روس جنرال (کروپاتکن) در (هیاجانک) به تیره و تدارک قشون پرداخته است

§ در آن واحی که میدان جنگ آراسته باران شدید باریده است

§ موجب خبریکه از (پترسبرگ) رسیده هزار و یکصد نفر مجروحین روس از جنگ (وانینگج) در (سیانانگ) رسیده اند

§ دولت ژاپون اعلان دویت کرور قرض داده برای ادای آن هشتصد کرور عرصداشت داده اند

(۴ ربیع الثانی - ۱۹ جون)

§ امیرالبحر (الکس اف) تلاکرافات بیان نموده که موجب خبریکه از امیرالبحر (ویگروت) در چهاردم شهر جاری رسیده تمام چهارات جنگی مرمت طلب بندر آرتر تعمیر شده است

§ خبر (روتر) از (لیاپانک) خبر میدهد که تلفات و نقصانات روس در جنگ (فانگو) سه هزار نفر بود - روس در این میدان چهل و دو و ژاپونیان چهل و چهار فوج قشون داشته و توپهایشان نیز برابر بود مگر اینکه توپهای روس همه کهنه و از وضع قدیم و ژاپونیان دارای دویت هزاره توپهای جدید سریع الاطلاق در آن میدان بودند نمابندگان جنگی دول خارجه نیز درین جنگ حضور داشتند

§ از (توکیو) بخبر (روتر) خبر میدهد که دسته

کشتیهای جنگی روس که تحت امر امیرالبحر (اسکرود لوف) است يك جهاز کرمه دریایی ژاپون که بجانب مرکز خود عطف عنان نموده بود غرق نموده همه اهل جهاز را از غرق نجات دادند

§ بموجب خبریکه از ایلیانک رسیده دو اردوی کامل ژاپون برای حمله بر قلاب لشکریان روس در (کیجو) رفته مظلون است جنگی سخت پیش آید

§ مخر (روتر) خبر میدهد ده کشتی قلاب ژاپون که مشغول به حمل قشون بود در قرب منامی که روسیان دو کشتی قلاب ژاپونرا غرق نمودند. وجود بود امیرالبحر روس مانفت نشده کشتیهای قلاب ژاپون نجات یافتند پنج کشتی قلاب ژاپون که مشغول بحمل قشون بود دسته جهازات جنگی روس که تحت امر امیرالبحر اسکرود لوف است گرفتار و غرق نموده و بانج بر هزار نفر از لشکریان ژاپون غرق و اسیر شده اند

§ يك فروند جهازات تجارتي دولت انگلیس که ذغال سنگ حمل داشته به توهم آنکه برای ژاپون حمل شده دوسیان گرفتار نموده اند

(۵ ربيع الثاني - ۲۰ جون)

§ مخر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که در جنگ (وافنکو) لشکریان روس دارای نود و هفت صراطه توب

و جایگاه شان بسیار محکم و متین بود و از جانب مشرق و مغرب مطابق نظام صف بسته بودند لشکریان ژاپونی که تحت امر جنرال (اوکو) بود بقوت تمام آنها را از کوه بجانب دره رنده بدوا برمیمنه لشکر حمله برده و بر میسره رو آورده. اگرچه این میدان برای لشکریان ژاپون صعب ترین میادین بود ولی با منتهای جادگی و طایت نهور سواران کوتاه قد ژاپونی یاشنه لشکر فوی

هیکل روس را بالا کشیدند و میمنه لشکر ژاپونرا صدمه بسیار رسید چه از جانب یسار متصل به روسیان کک

ه رسید روسها حملات سخت نمودند و جنرال (اوکو) دوبیت مجبور شد که قشون ذخیره پیاده را طلب نماید -

طابقت لشکریان ژاپون قوت نموده بر میسره اردوی خصم حمله آورده با اینکه روسها خیلی یابرداری و استقامت نمودند ولی از زمین و یسار مانند باران بر لشکریان روس از اردوی ژاپون گلوله مرگ می بارید روسها

بناچار فرار را برقرار ترجیح داده آن اردوی معظم

روس در هم شکسته پراکنده شدند سربازان و سواران ژاپونی مانند مزیر خشمگین روسیان را تعاقب نموده چند میل آنانرا یس نشانیدند خرابی طریق آنها را

مجبور بعودت نمود - دو دسته قشون ژاپون که معاودت به (ویوجیانسک) می نمودند به نصد نفر از لشکریان روس برخوردند غالب را مقتول و مجروح راسیر نمودند

جنرال (اوکو) خبر میدهد که در جنگ (وافنکو) نصد نفر از لشکریان ژاپونی نیز تلف شده اند (۶ ربيع الثاني - ۲۱ جون)

مخر رور از (توکیو) خبر میدهد که دسته جهازات جنگی (ولادی و دسک) با ریح شانزدهم شهر حال دو کشتیهای قلاب ژاپون را بین (روکو) و (کوچیا) غرق نموده اند

§ از برترسک خبر رسیده که امیرالبحر (پسوپراسوف) سپهسالار قشون مخر قله بحری روس سمیت امیرالبحر (اسکرود لوف) مقرر گردید

§ امیرالبحر (اسکرود لوف) رسا اعلیحضرت امپراطور روس را درباره غرق نمودن سه فروند کشتیهای قلاب ژاپون خبر میدهد و گرفتاری یاب کشتی دعای انگلیس را هم تصدیق کرده که در (ولادی و دسک) برای تعقیب فرستاده شده است

§ امیرالبحر (کالیپورا) بدون آنکه دسته کشتیهای جنگی امیرالبحر (پسوپراسوف) را دیان نماید مرکز خود عودت نمود

§ مخر (روتر) (الانویو) خبر میدهد که تحمینه نقصانات روس در جنگ (وافنکو) از مجروح و مقتول و اسیر ده هزار نفر شده است

§ امیرالبحر (اسکرود لوف) اعلیحضرت امپراطور روس را بدین عنوان تلگراف کرده که بدون هیچ صدمه و نقصان بمركز خرد عودت نمودیم

§ روزنامه (دلی تلگراف) از (یکوهاما) خبر یافته که دولت ژاپون (مارکوس و یاما) را سپهسالار کل قشون ساحلوی و فرمانفرمای مطابق صوبه منچوریا مقرر نموده و جنرال (توداما) سردار قشون ساحلوی منچوریا مقرر شده است (مارکویس یا ماگانا) رئیس اداره حمل قشون و انتظام بجانب منچوریا مقرر گردید

§ در دارالشورای ملی لندن کثرت آراء بر عدم تخفیف

اصلاحات جدیدہ یا خیالات

عالیہ وزیر اعظم

(از شماره ۳۶)

فعلاً اموریکہ محتاج باصلاح و قوام ملک و مات منوط بوجود آنها میباشد - امریست چند کہ بہ ترتیب ذکر نموده صورت اصلاح ہر یک از آنها را مینمایم

اول آنها کہ عمدہ و مهم از همه و دوام سلطنت و ترقی و پیش رفت کار در جمیع امم منوط بوجود او شناخته شدہ وضع قوانین اساسی است - مملکتی کہ دارای قانون نباشد امید ترقی و اصلاح از آنقطع است - قانون بقسمت اولیہ منقسم بدو شعبہ می شود - قوانین عقلی کہ ہر ذی شعور باندک تأمل و تدبیر میتواند بخنایق آن مطامع شدہ مجری دارد - و دیگر قوانین موضوعی و مشروعی - از قبیل اول است قبح ظلم و حسن احسان و میزان تساوی در حقوق و محاکمات کہ ہر عاقلی بکنہ آن میتواند رسید - اما قانون موضوعی از قبیل اکثر قوانین معمولہ در معاملات و تجارتات و روابط الدول است - امروز جعل این قانون بجهت ہرمانی از الزم لوازم بشمار و سرمایہ ہمہ رفیات شناخته شدہ - چہ امتیاز اسان از حیوان بواسطہ مرتب بودن امور معیشت آنها است و این نکتہ جز در سایہ اجرای قوانین اساسی حاصل نتواند شد

خلاصہ - قانون یا واقع است امور دوائی باصربوط باہور ماتی و ہر یک از اینها در اسان شریعت یا از قبیل عبادات است یا معاملات - و معاملات نیز بر چندگونہ است - یکی قانون مدنی و تربیت - و قانون مجازات - و قانون محاکمات - و قانون تجارت - و حقوق - و نظام وغیرہ میباشد - مسلم است دوام ملک و مات و قوام و ترقی ہر مملکت موقوف است بوجود انتظامات صحیحہ کہ رافع ظلم و استبداد و ناشر عدل و براد باشد - پادشاہ از رعیت آسودہ و رعیت از جور و تعدی فارغ گشتہ ہر یک تکلیف خود را بشانند - و بر طبق آن عمل نمایند

طالب قانون و اصول آن اگر راجع بادارہ خاص باشد قانون اداریہ و خصوصیہ گویند - و اگر راجع بمعموم مات شود قانون عمومیہ و سیاسیہ مدنیہ نامند -

فوائد قانون از حد احصا بیرون است ارسال رسل بجهت تعیین حدود و احرای قانون است - کتب ہاویہ مفسر و شارح قانون است ا ظالمین و مفسدین حد خود را شناختہ پیرا از کلیم خود زیاد نکشند - از روی قوانین عمومیہ ہیچکسی را بدیگری ترجیح و تفضیلی نیست خواہ قانون از روی شریعت و کتب سماویہ باشد کہ انبیاء و رسل بدان ما مؤثرند یا ز عقل و تدبیر کہ حکماء و فلاسفہ در آن قدامت بجاء نموده اند - ولی جعل قانون مخصوص است بکسانی کہ بطر آنها بتنافع نوعی و فوائد عمومی مصروف باشد و غرض شخصی را بر ملت و دوات ترجیح ندهند - و ہر خود را مصروف بملاعب و مباحی سازند

امروز بخدمت پادشاہ دارگر و عدل پرور است و وزیری کردان مانند وزیر اعظم کہ مایل و سعی و جہد در ترقی و تقدم ملت و دوات میباشد و در سایہ قانون میتوان مات ایرانرا باندازہ ترقی داد کہ ہیچیک از ملل عالم بآن درجہ پایز و نائل نگشندہ باشند

نخست باید از جزئیات شروع نمود و بکلیات اتمام کرد - چرا کہ عموم افراد مات ما امروزہ بہ بیقاوی و بدظمی معناد شتہ قرنها در حالت توحش سیر کرده اند - پس باید از جزئیات شروع نمود و در ہر یک از ادارات دولتی قانون ہاد تا آنکہ تدریجاً عمومی گردد - و مندم بر جمیع آنها ادارہ و رارت حسک است چرا کہ افراد ہسکر بمنزلہ فرزندان پادشاہد - از این رو بود کہ ہرزاتقی خان امین نخستین قانون را در نظام جاری کرد و اکثر این قواعد مطابق است با میزان شریعت اسلام

بالجملہ بجهت جعل قانون لازم است جہی ارمردمان با اطلاع از قوانین دول و ہمہ ار قانون اسلام گرد شوند تا آنچه را مناسب ملک و دولت و مات و موافق شریعت اسلام یافته بخاب نمایند

اول باید ترجمہ قوانین دول متدہ را نموده بعد از آن میزان ہر یک را با مات بطریق تناسب موزہ کرد تا ہر کدام مذاست حال امروزی محاکمات است انتخاب شود - و نیز باید دانست کہ در این کار شخص واحد ہر چند با علم و اطلاع بلشد نمیتواند قانون برای یک مملکت وضع نماید پس ناچار محتاج بوضع انعقاد مجلس است

و اولاً باید قوانین دول متمدیه را بزبان فارسی ترجمه کرد بعداً تناسب هر يك را با ملت ايران - منجيد ببلاد مسئله بقدری صعوبت دارد ولی در هر يك از ادارات دولتی جعل آن ممکن است مثلاً اداره كرك و وزارت خارجه وغيره

بعضی از مردمان ناقص العقول بی اطلاع را عقیده بر این است که جعل قانون و وضع نظام و ترتیب صحیح منافی با استقلال سلطنت و طابع از اختیارات کامله ذات اقدس همایون است و حال اینکه این خطی است بزرگ و خطائی فاحش - زوال سلطنت و اهدام در محلی که ممکن نیست مگر در بی قانونی و ظلم شدید که خالق از شدت ظلم و اعتراف ستوه آورده اقدام بحركات ناشایسته نمایند - و بالعکس عدل و وجب تعمیر بلاد و رفاه عباد و امتنان از ذل اقدس همایونی و تشکر و دعا گوئی در حق دولت است و عمده فایده آن راجع بشخص سلطان است و ما محبت مشاه طهور این اعتقاد را در ایران بیان نموده پس آنگاه نادله تاریخی فساد آرا طاهر مینمایم

باید دانست ابتدای این حبس مقدس در ایران شروع شد از زمان مرحوم میرزا تقی خان آتاپك اعظم - این مرد بزرگ که روانش شاد و با محمد و آتش محشور باد بعد از توقف سالهای دراز در ممالک خارجه و تحصیل علوم لارمه و تجارتات عدیبه که در طول مدت عمر خود حاصل نموده بود در اوئل سلطنت شاهنشاه سعید سعید و قریباً که در منکای سدارت متکی بکشت ترقی ملت و دولت را در وضع قوانین صحیح دید - چون در آن سنگام بواسطه اغتشاشات زیاد در جمله ایالات و نقاط مخصوصاً خطه خراسان و بی نظمی و بی ترتیبی دخل و خرج دولت که از اثر سوء تدبیر حاجی میرزا آقاسی نزدیک بود رشته او را هم گسسته گردد و بموجب قشون نیرسبد اهل خدمت از لوازم معیشت محروم بودند و تمام عمل مالیات صرف مفت خواران و هرزه کردان و حواحه سرایان و درویشان و صوفیان و اقطاب و غیره میشد در این حال وضع قانون عمومی بدو امکان نبود لهذا چنین مصلحت دید که اولاً اصلاح شئون مالیه دولت را نموده دحلراً بر خرج قزونی دهد و آنگاه قریب سرطانی را

را در جهتگاه دولت و ملت بر قریب سرطانی مملکت را از شرارت اشترار پاك و مصفا نماید از آن بعد قزوق ملبسین بلباس علم را کاسته پس از آن سودگی بکمال تسلط اجراء قانون نماید و فی الحقیقه آن زمان نیز بواسطه جهالت که ظلمت آن کران تا کران را احاطه نموده بود وضع چنین قانونی در مات و دولت صعوبت داشت پس باندک مدتی اصلاح مالیه را نموده دحلراً بر خرج پك کروو تومان که در آن زمان خیلی پول بود قزونی داد بعد از آن مشغول نظام بلاد کشته طاعیان و باغیان و قطاع الطریق و اشترار را مدموم نمود اندکی آسوده شد خواست شروع بقانون و اجرای آن نماید باز ملاحظه کرد اقدام بآن بر وجه کلیه بدو امکان نیست و وقت اقتضا ندارد باچار مصلحت چنان دید که فعلاً در قشون که تا آن ایام بی نظام و بی ترتیب بود و بعد از او نیز چنین شد قانون صحیحی نهاد چه قشون بمنزله فرزند پادشاه و حافظ و حارس مملکت و اهالی آن میباشد و اسباب معیشت و زندگانی او از حیره و مواجب و ملبوس و اسلحه و غیره بدست دولت است و فطرتاً هم اهل نظام بکنوع صداقت ذاتی و شاه برستی دارند که در دیگر طوائف کمتر یافت میشود

پس قانون نامه راجع به نظام و امواج نوشته طبع نموده و بموقع اجرا گذاشته مواجب و حیره و تکلیف نایب و صاحب منصب حزه و کل را در حصر و سمر و حایات و تکالیف تعیین نموده هر تقصیر را خواه راجع سر یا سر کرده نام برده مجازات آنرا مشخص نمود اهل نظام که همیشه از تمدنی صاحب منصبان و حیف و میل حیره و راجحشان و گرفتن رشوه های بیجا و تماریقات ظالمانه چنانکه عنبریب شرح آرا مفصلاً عرض خواهیم نمود بشک آمده بودند در ظل قانون مرفه و آسوده گفته هر چند صاحب منصبان و سروردگان که قانون طابع تمدنیات ظالمانه آنها بود فوج و مابین را تحریک کردند نموری محظوب و کسی گوش بسنجان آنها داد - و فی الحقیقه سطوت و ضوابط امرد چنان مردمان را ترساییده بود که بعدی حرکت مخلف اوامر و نواهی او را نداشت

خلاصه - بعد از فراق از این عمل فکر آن است که باید معارف را ترویج بجایگاه عمومی نمود و در نتیجه

حائقی را بز فوائد و منافع قانون منقطع و آگاه ساخت . از این رو تشکیل مدرسه دارالفنون را کرد چون دید فوائد آن راجع بعموم نتواند شد و عموم را چندان آگاهی حاصل نمیگردد چریبده بنام (روز نامه) احداث کرد در طی این احوال روزگار عمرش سپری گشته خیالات طالبه را همراه خود درگور برد و از خود در صفحه روزگار جز نام نیک و ذکر جمیل بیادگار نهاد . بعد از آن رشته وزارت ایران در دست مردمان خود فرض افتاد و طبعاً این خیالات عالیه معوق ماند با اینکه بنی و بین الله متصدیان امور جمهور بدو اجری مقاصد امیر را عمانت نسپردند ولی چون مشوق و محرک موجود نبود قهرراً بموقع اجرا نرسید بعد از گذشتن آندوره شاهنشاه سعید شهید بورا که مضجعه بدین خیال افتاد . از آنجا که کمال عقل و کفایت و زیری و فراست این شهید را موجود بود دانست که بدون اطلاع از وضع ملل خارجه اقدام بچنین امری مهم مفید نخواهد بود . چنانکه بطر (کبیر) نیز بجهت ترتیب قانون دو دفعه سیاحت فرنگستان نمود . این بود که در زمان وزارت حاجی میرزا حسین خان مشیرالدوله که مردی دانا و با اطلاع و واقف از رموز سیاست بود اکثر اقطاع ممالک اروپا را سیر و سیاحت فرموده هر امری را بدقت ملاحظه و نقشه خیالات را کشیده با این نیت مقدس تشریف فرمای مملکت ایران شدند . از آنجا که رضای خداوندی بتأخیر این امر علاقه گرفته بود قبل از ورود در سرحد اسباب احلال این کار فراهم شد بجهت آنکه حاجی میرزا حسین خان را که عهد محرک و مؤسس این اساس خیر بود در سرحد گذارده موک هایونی تشریف فرمای طهران گردید و اجرای این امر تعریق یافت . ولی خاطر خطیر هایونی قلباً افسرده گشته همواره درصدد اقدام بان امر خیر بود . پس از سالی چند نائیب بجهت اهتمام مقصود رهسپار مملکت فرنگ گشته اطلاعات خود را تکمیل فرموده با هنرمی نامت و متین بخیال انجام این مهم افتاد . پس امر فرمودند جمعی از وزراء با علم بیغرض مجلس تشکیل داده مواد قانونی را در کتابچه جمع و ضبط نمایند که چون کتابچه تمام شود بصدقه هایونی رسیده طبع و منتشر گشته در محل اجراء گذارده آید . آقا میرزا علی اسفرخان صدر اعظم

سابق ایران دید اجراء قانون منافی با خیالات اوست چرا که در ظل قانون حیل و تقلب و دسیسه کتر ممکن شود و سد مداخل و مواجس نفسانی و خیالات شیطان عام و خاص خواهد شد و نیز مملکت ایران ترقی فوق العاده حاصل نموده تالی ژاپون شده که امروز با یکی از قوی ترین دول اروپ دعوی تقابل بلکه تقدم و تفوق میباید (راستی حوشت در اینجا شمه از وضع مجلس شورای دولت ژاپون ذکر شود و معلوم گردد که در سیه نظام صحیح چه کارها میتوان کرد .

امور سلطنتی ژاپون مطلق در کف با کفایت اعلی حضرت میکادوست . و پادشاه . هنری له دو مجلس تشکیل داده یکی مجلس اعیان و دیگری مجلس نواب . مجلس اعیان مرکب است از سیصد و پست و هشت عضو که بترتیب ذیل اند

از خانواده ساطنی مردان صاحب رشد ۱۲ عضو
 از پرنسها و امارکوزها که بالغ سن ۲۵ سال باشند ۲۸ عضو
 از قبیل کنتها و ویکونتها که بالغ سن ۲۵ سال باشند
 و مدت انتخاب آنها هفت سال است ۱۲۰ عضو
 از سایر طبقات که میکادو انتخاب میکند و باید عمرشان بالغ بسی سال باشد ۱۱۳ عضو
 کسانی که باید با انتخاب ملت باشند پس سی سالگی و مدت انتخابشان هفت سال است ۲۵ عضو
 جمله (۳۰۸) عضو
 مجلس نواب مرکب است از سیصد عضو که باید سنین عمرشان کتر از سی نباشد و مدت انتخاب چهار سال است و انتخاب آنان بمعرفه مردمان است که پس (۲۵) رسیده . سالیانه (۱۵) بن مالیات گذار باشد .

حالا باید تصور نمود که آیا بواسطه افتتاح این دو مجلس و وضع قانون در این مملکت هیچ صدمه بعزت و سلطه و نام میکادو وارد شده ؟ آیا از قدرت و نفوذ آن کاسته یا از سلطنت خلع شده است ؟ همه عکس میداند که هیچیک از اینها نشده و بالعکس ملت او را پرستش مینمایند و پدر بلکه خدای خود میشناسند نام نامیش عالم را فرا گرفته و از اشخاص بزرگ عالم محسوب و در ستون تواریخ اسم جمیل او ابداً هر بقی است و پرنو همین دو مجلس و قانونست که این همه ترقیات عمیرالقول حاصل نموده برچین منطقتشده کویا را نصاحب

کرده و امروز دولت روس را متزلزل نموده است. در بحسب سال قبل سر شهاری کردند عدد نفوس آنها چهل میلیون و هشتاد و دو هزار نفر بود در سه سال بعد از آن چهل و هفت میلیون گردید یعنی در عرض سه سال چهارده کرور بر عدد ساکن آن افزوده شد و مالالتجاره آن سهم ملک انگلیس و آلمان و چین و هند و فرانسه و آلمان حمل میشود.

خلاصه امین السلطان بنای وسوسه و دبدبه را نهاد و چندان حيله و مکر بکار برد که اعلیحضرت هاپونی را از این خیال باید منصرف ساخت و این کلمه که در زبان جمیع ملل عالم مقدس است چنان قدس شد که هر کس بر زبان جاری میکرد بزرگترین گناه کاران محسوب میشد همه برانگام و تعجب شدند که چگونه پادشاه تابک سال نذل کمال ناکید را در احراء و اعمال آ داشت و امروز رعکس دیده میشود. در محالست با قانون این بیانات نخلق الاء می شد قانون یعنی پادشاه میجوایم - قانون یعنی مذمت ندایم قانون یعنی جمهوریت - قانون یعنی لمریقة نخیز و انار کست - قانون یعنی هرج و مرج - قانون یعنی محرب اطاعت - قانون یعنی انمجالان کده دولت و مات هر مکتبی که قانون دارد پادشاه ندارد - قانون که در مرد تقال میشود حرف رد مات بدواب باقی میشود تا آخر سحان او ۰۰۰۰۰۰ (باقی دارد)

تشکیل مجلس نرخ ارزاق

(یکی از اسلحا - حدیده)

(زار شماره ۲۶)

هفته گذشته شرحی دو خصوص اولی روز افتتاح بن المحسن خیرت اثر بعرض رسانیده بود اگرچه شرح مفصل آن ممکن شد فقط در مجلس اول آنچه مورد موافق دیل است که تمام اعضاء تصدیق و امضا نموده حساب مختار الاماطه متعهد اجراء آن گردید نرخ یکم بوزن ری که چهار تیریزی است - یازده قران روعس یکم تیریز که چهل سیر است دوازده قران تخم مرغ دانه یکشاهی دغال - یکم بوزن ری تا آخر ماه که مقرر خواهد شد چهار قران هر چه غلاف خورده فروشد در هر چار یک از قیمت سابق یکشاهی کمتر خواهد فروخت

چنانکه هفته ماضیه اشاره نمودم قرار روز تشکیل مجلس بیوم جمعه مقرر شد و موافق آراء اکثر اعضاء محل انعقاد این مجلس در مسجد مرحوم شیخ عبدالحسین که وسط بازار و مرکز شهر است مقرر گردید. بناه عایه در یوم میعاد مقرر که جمعه (۱۲) بود اجتمع نموده جمعیت این دفعه بسی زیاده از مرهه اولی بود - مسئله که امروز محل بحث و مذاکره شد عمل قیابندی بود و تفصیل آن این است

هر روز مقدار زیادی از گاه و جو و هیزم و ذغال و سایر حبوبات و بقولات و مرطبات و کایه لوازم و ما ینحتاج که از قری و مزارع اطراف حمل میشود وارد این شهر بزرگ گردیده بوجهی که از میزان مصارف یومیه بسی افزون است. پس لامحاله باید ارزان و لا اقل فراوان باشد. البته کثرت قری و نواحی طهران و مراوان نعمت و خوشی زراعت و استقعداد اراضی بجهت هر قسم محصول بر احدی پوشیده نیست - ولی در بعضی روز بروز بدتر و سخت تر میگردد و سر عمده این بود که جماعت غلاف و بنک دار میزان و غیره مقرر نموده که اسباب مداخل عمده آنها بود - اولاً باید تمام احساس مزبور و وارد میدان امین السلطان شود و صاحب بار حق هیچگونه مکاله و خرید و فروش با احدی نداشت فقط تکلیفش این بود که بار را آورده در اطراف میدان که دکان غلاف است فرود آورد - اختیار تعیین نرخ آن بدست حضرات غلاف بود هر روز آنچه رای این طائفه بدان علاقه میگرفت باید بموقع اجراء آمد کسی نمیدانست که عات حقیقی چیست که این جماعت پادشاه بی قشون و سرداری لشکر اند و حکمشان از چه رو چنین مطاعیت پیدا کرده از قبل خود میکنند یا از جانب دولت یا بوکات مات - نه علاوه کشیدن و قبان زدن نیز حتماً باید در تحت مراقبت بلکه اوامر و نواهی آنها باشد. و صاحب بار نبود مگر همالی از برای آنها و آنچه موافق دلخواه خودشان بود وزن معین میکردند و فوائد و منافع این کار برای آنها زیاد بود

یکی آنکه اکثر آنچه وارد میشود خودشان خریده و ابار نموده بوجب تنگی و قحطی میشدند و در موقع خود بقیمت اعلی میفروختند

دیگر اینکه وزن را در حساب فروشنده کم و در حساب مشتری زیاد محسوب و تفاوت را در جیب خود میریختند و نیز همه مردم را محتاج بخود نموده از طرق دیگر مداخل می نمودند و همچنین صاحبان بار را که از اهل قرا و دهات اند در حساب فریب داده سهو میزدند و مقرر نموده بودند که باید خرج چهار عباسی باشد یعنی سکرایه قبان و مزد حمل - ولو مشتری خود حال باشد ناچار باید این چهار عباسی را بدهد و قائده آن راجع بعلاقها بود. و تدریجاً در این کارها چنان تسلط نامه پیدا کرد که دست صاحب بار را هم که بچاره زحمت کشیده شب و روز در بیابان سرما و گرما خورده و جان کنده است کوتاه نموده بودند حتی آنکه بقری آدم فرستاده مدخلدا و رئیس ده را با خود متفق ساخته که بارها در چه وقت وارد شود و در کدام دکان فرود آید و در چه موقع بار شهر بیاورند

مثلاً یکی از کارها ایشان این بود که امروز گاه و جو زیاد وارد شده نرخ آنرا بسیار ارزان می استند و تمامها خود میخریدند فردا که بار کم می آمد قیمت را زیاد کرده آنچه روز سابق ارزان خریده بقیمت گران میفروختند - اگر صاحب بار خودش رفیق یا آشنائی داشت ممکن نبود نتواند بدون اذن علاف حبه باو هر و شد یا بفرستد شاید بعضی تصور کنند در ولایتی که شاه دارد چگونه میتوان خود سرچین کارها را مرتکب شد لکن هر کس بوضع طهران مسبق است و همه این اوضاع را بچشم خود مشاهده میکند شبه ندارد. عموماً حالت مردم این است هر چه را معاد شده در نظر شان سخت و زشت می نماید سالها این قرار معمول و متداول بوده است ولی هر گاه بخوایم درست تاریخ احداث این بدعت را بدست دهیم باید گفت - در ممالک مشرق زمین کلبه عادت بر این جاری شده که اطاک مخصوصه برای خرید و فروش اکثر اجناس معین و باسم میدان میخوانند تا خریدار و فروشنده معطل و سرگردان نباشند و دکانها در اطراف میدانها مخصوص هر جنس تشکیل میدهند من جمله (امین السلطان) میدانی تشکیل داده و ساخته که اغلب اجناس در آن بخوش میزدند در ابتداء کار دکانها را آنرا همبازان

متعارف اجاره خواستند بکنند امین السلطان نظر بمنافع شخصی خود نیز ترقی اجاره این میدان کوشیده مستأجرین آنرا حمایت نموده آنها نیز بصاحب بار و مشتریان تعدی میکردند کم کم تسلط آنها زیاد شد صاحبان بار مجبور شدند محمولات خود را بآنجیدان آورده بهر چه حکم کنند بفروشند و قبان هم در دست مباشرین میدان باشد و هر روز هر دکاندار میدان صد بار گاه و نحو و ذغال و غیره در دکانش صادر و وارد میشد و از مال مردم مداخلهای بیزحمت میکردند لهذا اجاره دکانها میدان زیاد شد تا آنکه ماهیانه هزار تومان رسید در زمان عزیز میرزا علی اصغر خان دفعه اول و رفتن او بقم این میدان از رونق افتاد هر کس متاع خود را بهر کجا میخواست میبرد و هر که میل داشت میفروخت خلق در وسعت و رفاه بودند و صاحبان بار آسوده این مداخل نامشروع و وقوف شد دوباره بحض اینک متصدی امور شد باز در ترقی این میدان سعی بلیغ مجرا داشت خلق را بستوه آورد - ارزاق و لوازم را بر مردم تنگ نمود کسی هم قدرت تکلم نداشت در اینجا برای مزید اطلاع داستانی که يك نفر از مردمان صدیق بمن حکایت کرده نقل می نمایم

رادی گوید روزی عبورم بمیدان مزبور فساد مردی را از اهل ده دیدم در شب عید سلطانی سه قاطر را جو زنادی بار کرده باندازه که حیواناتهای بچاره اش قوه حرکت نداشتند بامید تدارک شب عید و خریدن لباس و کفش و کلاه و شیرینی و سایر لوازم بمیدان آورد علافی برخاست و چون صاحب منصب نظامی بطرف وی حکم داد که اطرف دکان او آید دهقانی بچاره مالها را نزدیک دکان او برده بارها را فرود آورد علاف بملاحظه آنکه صاحب باز از حقیقت وزن بار خود مطلع نشود گشت برو حیواناتها را بسته گاه و - وجه را و خود راحت شو تا من باو ترا ردن صاحب بار حاضر کرده بشما بدهم بعد از نیت هر باری بخواه مشتری آمده پس از قیام جمع یکصد و پنجاه هفت من الی شصت من - بست و سه تومان و شش و من و سه حساب نمود و چهار هزار و کسری قراویچ گرفت (مراد از خرج اجرت حالی و

قبائلی است) من نیز که مہمی در آن خطہ داشتم ساعتی توقف نموده ناگاہ صدای ستیز و آویز بلند شد در عقب آن شنیده دیدم همان علاف دکاندار با دهقانی صاحب باراست کہ آن فقیر رعیت التماس میکند و او در جواب ناسزا و دشنام میدهد و ہم شنلان خود را بطلب اصناف و حقانیت میطلبد کہ بیاید تہاشا کنید گرفتار مرد سحرانی زبان نفہم شده ام کہ از حساب سر رشته ندارد حرف یابوہ و پپوہه میزند ہایت تعجب کرده پش آمده دیدم این بی المصاف علاف بدو زانو نشسته مثل مستوفیان عظام شروع بحساب نموده چنین گفت -

مگر شا از کوه بائین آمده اید حساب نمیدانید آخر قدری حواست را جمع کن من کار زیاد دارم وقتم را نمیتوانم تلف کنم شب بجهانان میخواهند منحصراً فرضی داشتم کار خوب حرام است حالا نگاہ کن من کارہ قاطر کہ زیاد داشتی اگر چهارتا داشتی بگو - خیر - جناب استاد علاف باشی سہ قاطر داشتم و امروز ہشت روز است کہ معطل اینکار شدہ رفتہام بدہات خو خریدہ شہر آوردم کہ ندادک شب عید را بکم -

علاف - اف مگر من گفتم دزدیدہ بمن چہ ربط دارد من ہم بیکام است در اینجا نشسته منتظر تو ہستم حساب را رود فارغ کنیم کہ من بعض امور شخصی دارم حیث کہ شا مردماندہ ہدر کسیرا نمیدانید آقای (صدر اعظم) بعض آسودگی شا این میدارا ساخته کہ دیگر معطل نکشید دور کوچہ ہا و بازارها نگریدید سرگردان و معطل نشوید واقعا عجب مرد بزرگی است ہمہ باید دعا باین وجود مبارک کنید - ہمہ علافها صد را بلند کردہ کہ (خدا عمر بدهد آقای صدر اعظم را

اہ اورا از سرما کم نکند) (باقی دارد)

مجمعی از شرح احوال مملکت کوریا

از شماره ۳۶

جمعیت عالی اہالی کوریا

علیحدہ ہستند کہ بشدہ ملیون است و ایہا حس سیریا و چینہا و ژاپونہا دین ہونند قبائل (تن فور) دولتی (کوریا) این دین را از دود - لاکن خانودہ بجای آن مقرر نمودہاند دین دیگر اقط کرده و است

بر اعتقاد باخزت و بارہ خرافات کہ در بین بوداہست و اہالی کوریا را زبان خاصی است کہ مخالف با زبان چین و منچوری است و خطوط آن در اول برسم خطوط چینی بودہ لاکن بعد از آن در قرن پانزدہ میلادی خط مخصوصی اختراع کردند از جملہ طاداتشان این است کہ اولاد با والدین متکلم نمیشوند و بحضور آنها نمیروند مگر در حالت رکوع و تواضع و بدر حق دارد سکہ ہرگونہ جزائی و سیاق در حق اولاد خود مجزی دارد مگر آنکہ بسن ہمتاد برسد در آنوقت این حد از او ساقط میشود و اہالی در خوردن بی اندازہ افراط کارند و باین صفت افتخار میکنند و باین واسطہ کدالت بآنها غالب شدہ از مباشرت امور بزرگ سکہ موجب ترقی و تقدم ام است باز مانده اند

تاریخ کوریا

آجہ از تاریخ این مملکت معلوم است آنستکہ جون یکی از امراء خانوادہ (شاخ) بامپراطور چینی شورش نمود بہ (کوریایا) رفتہ در قرن اول میلادی تشکیل سلطنت و تاسیس مملکت کرد در سال (۱۱۶) مسیحی کوریا بسہ قسمت منقسم شد و از آنوقت علاقہ و روابط مابین کوریا و ژاپون شروع گردید تا آنکہ در ابتداء قرن سوم ژاپون بر آن بلاد مسلط ہارہ باج گذار او بود - تا آنکہ بعد از جنگہای بسیار مستغاض شدہ بعد از آن یکی از امراء کہ در یک قسمت آن حکم را داشت بر دو قسمت دیگر مسلط شدہ مملکت را متحد نمود در قرن یازدہ بعد از آن بمساعدت امپراطور چین شخصی (تایسو) نام بر این مملکت غلبہ کردہ خانوادہ (تسی تسن) را تاسیس کرد در سال (۱۵۹۲) ژاپون با لشکری حرار بر کوریا حملہ نمودہ بر آن مستولی گردید و عہدہ نامہ در بین این دو ات منعقد - شد در سال (۱۶۱۵) کوریا بندو (فوسانرا) بژاپون واگذار نمود و اداء باجی ہر سالہ متعہد گردید - در قرن شانزدہ بہ از استیلاء تاتار و معل بر چین رابطہ دوستی بین ملذ کوریا و چین زیاد شد زیرا کہ تاتار بر کوریا هجوم کرد پای تحت آن (سیول) را متصرف شدند ناچار متعہا گردیدند کہ خراج سالیانہ بدیشان بپردازند پس کوریا د یک وقت دو خراج میداد یکی بچین دیگری بژاپون و ازین وقت شروع شد خراج چین و ژاپون زیرا

ژاپون استقلال کوریا را طالب بود و چین قبول نمیکرد
چیز اینکه تابع او باشد پس کوریا و ژاپون هم قسم شده
در استقلال کوریا و بیرون کردن عساکر چین راه - و
ژاپون متعهد گردید که مخارج حرب و نتیجه آن بر
ذمه او باشد پس قتال شروع شد و چین شکست خورد
و بر حسب عهدنامه (سین پومزاک) سال (۱۸۹۵)
کوریا مستقل گردید

پادشاه حالیة کوریا

حکمران موجوده کوریا (ایه سیا) نام دارد با
ژاپون متفق گشته که لشکر و پرا راه بدهد و از بلاد
خود دفاع نماید در انشای این جنگ حاضر و مستعد
گردیده بدون اطلاع ژاپون و ادن آن هیچ عهدنامه
منعقد ننماید

حکومت کوریا

حاکم بلاد کوریا پادشاه مطلق و در تمام امور
داخله و خارجه مستقل است و حکومت بلاد بدست
رؤسا و اشراف است بر حسب امتیازات خود شان
مقرب ترین مردم در نزد شاه وزیر اعظم است که جمیع
امور باید باستشارة او باشد از خصایص پادشاه عضو کردن
از مجرم و تعیین مجازات گناه کاران است و در این
مملکت مجلسی است اعلی مرتک از ۹ عضو و کلیه مملکت
به نه ایالت قسمت میشود که هر یک حاکم مخصوص دارد

قشون کوریا

نظر بنا بر بلاد و بی میلی که حکام و اهالی
باصلاح حال و ترقی امور و دفع نفوذ اجانب دارند
دارای لشکر مهمی قابل اعتبار نیست - و لشکریکه حفظ
امن و اطمینان نماید ندارد و تمام آنچه را قشون مینامند
در کوریا مرکب است از ده هزار نفر جنگ آزموده
دلیر که اسلحه آنها تفنگهای فرانسه است از طرز
(جریس) یا آلمانی است از وضع (موزر) یا روس است
از قبیل (بودن) و صاحب منصبان قشون از مدارس
ژاپون بیرون آمده اند - و سواره آن مرکب است از
صد و پنجاه نفر و توپخانه از (۳۶) توپ که شش عدد
آن بجهت قلمه است و شش عدد توپ کوهی و (۱۶)
عدد توپ میدانی و هشت عدد توپ (میکسیم) لشکر
اجتباطی آن مرکب است از فرقه (بوزنغ) نام که فرقه
بسیار قدیمی و افواج بی نظیر و تزیین است زیرا که این

فوج عادتاً از حمله گرفته میشود و اعتنائی بر آنها نیست
مگر در حالت خطر و در این ازمه اخیره با سلحه
جدیده مسلح شده اند تا اینکه بتوانند در حرب امروزی
داخل شوند -

راه آهن کوریا

در این مملکت راه آهنی که کافی از مهابت ملکی
باشد نیست نسبت نسبت چیزیکه مدت راه آهنی میباشد از
(کلبو) تا شهر (سیول) بطول ۳۰ کیلومتر و ژاپون
راه آهنی از (سیول) تا (فوسان) میکشد که تمام شده
است تا بحال مگر تا شهر (توکیو) که فاصله آن از (فوسان)
که نقطه آخر این خط است ۹۶ کیلومتر است و در
صدد ساختن راه آهنی مستند از (سیول) تا ساحل
مشرق کوریا

بوشهر

وقایع نگار جبل التین می نویسد - محمداقده از حسن
عقیدت حضرت اشرف اجدوالا وزارت عظمی و صفائی
نیت جناب اجل آقای دریابگی حکمران سادر خلیج
چند روز است تزلزل زلزله از خاطرها محو و بکلی
حرکتی در زمین نمودار نیست - ولی افواه است که
با خوشی و محسوس مبرم طاعون تا (رود حله) پنج
فرسخی بوشهر رسیده و چند نفر تلف شده اند از این
جبهه قدری مایه خیال شده عمل فریطیه را بیشتر
از پیشتر مراقبت مینمایند و غدغن شده جهازات بادی
که از طرف (رود حله) می آید روی دریا ایستاده
بمدار رسیدگی کامل داکتر مسافرین حرکت کنند -
از آنجا که اشخاص معمر میگویند که هرگز یاد نداریم
در آبادی شهر بوشهر و با و طاعون آمده باشد
تسکین قای مر اهالی را حاصل است - با اینکه امساله
طرف دشتی و دشتستان و صحراهای بوشهر محصول
درستی بدست بیامده و حبوبات کم است خاصه گندم و
جو که در بعضی جاها بکلی نشئه باز نرخ اجناس رو به
تول و از هر باب آسودگی حاصل است (زانحدر)
که قریب دو سال در بوشهر و همروه و بندرانکه حبس
بود جناب دریابگی واسطه او شده از بندر لشکر
احضار و محترماً در بوشهر توقف دارد - موا رو بگری
و چند روز است بیروت گری زیاد شده است

خطابه شاهزاده آراهه کمال دوله دملوی

(ارشاده ۶۶)

(عنوان هشتم)

ريح طبعی و کتابی با نشان میدهد که اواخر عصر دوم از ترکیب گشت رفتها و کلزار ساحدها و احمها وحشها که ایرانیان از مدد اعتقاد به بریان رواج دادند چنانچه عرص شد دقت نظر و علت فهمیدن هر چیز را دیال و حسنجو کردند و بدیحه این دقت و تفحص آنان این شد که آنچه کاهای رنگارنگ بسیاری و لطافت ره و برکها و چمن رومی و... ری را در اصل مدخل برداشته و آن سردهای مفرط و مردمی ممالک و سمت اشجار و ارمهار را که ساهاً از عصب و عبط دیوان گمان زده بودند را اثر حاصل کردن فهمیده و میسر و تبدیل مسولرا در سر و حرکات آسان و سپرگان دانستند پس نقطه اول بروز مسمی در ایشان بود که عطف بر نظریه آسمان نمود و مؤثر و در زمین آسمان و ستارگان پیدا شدند و چون از فرشتگان بدی ندیده و دل زده شده بودند فرشتگان (پرهشنگانی) تصور نمودند که در آسمان منزل دارند و گاه که بر زمین بروز میکنند و بد پرهشده بدین مناسبت امید شده باشد -

خلاصه حای فرشتگان در آسمان و هر سه ره را هیکل و منزلتی را نشان گمان کردند کم جمع عمدت هر سه و ستاره در آن به بعد جویل بر میان آسمانی کشید و اعداد مدهششان سه به برستی و چون آسمانرا پارساه ستارگان و ستارگان و مؤثر بر رگ بر زمین دیدند برا بیشتر سانش و یانش کرده بدو گرویدند چنانچه لان و سیاه برین برین عباداتی هستند تصور فرطه نه حس برانی آن دلف و وسواس در صورتی مانند تعلیل و اثر کوس و بر رگان در پام ایجاب و آثار موحود زمین باشد و آفتاب و ستارگانرا مندرس - مرده - نش کند چه قدر مواصبت در حرکت و مدار و گردش و سلامت آفتاب و ماه و سر ستارگان نموده بد و تمام دیگر آن صرف ایشان شده است و علوم محوم و سازه تنسی در این عصر در ایران بری کرد و اوج گرفت و کارمندان بالا رود اعتماد مردم در آن زمان بزایچه و طبالع و محس و سعد و

مبارزه و مقابله و تسدیس و تزییع و غیره زیاد شد تا مدتی که همه چیز را در عالم از اثر ستارگان و تاثیر ستارگان دانسته و بیکجق و طغوش طالی را اول شرط زندگی فهمیدند -

همین اقاوم و هدسه و مختصری از حمرافعی زمین در آرممان طاهر شد چون بابل زمین را نقطه دیدند که در آنجا تمام اطراف زمین در وقت صبر روشن است دستگاه ریح و تعدین حرکات - رگان را در آن نقطه زده و اساس محوم و استخراج ریجه صحیح را در (بابل) نهادند و در بابل علم محوم برایشان ناکمونی نمایان که از (سمیتیک) عبریان و صراان سدا شده مدرن و موافق گشته و از ترکیب این و علم من شده و بحر را استخراج کردند که محمل همی آن اسدراج هوای عالیه در مواد سافاه و شرح آن مفصیل در این مقاله نگنجد شاید این مدعا نه فرعون معاصر موسی از رای عجاچه و مدعا نا و پرا یکی را بابل تکمیل علم سحر نموده دیدند طاب نمود دلیل شود که علم محوم از ایران - بل روه و ریح مسافرت نموده از مصر بیرون - سر زده و عجب سکه این علم شریف از نقطه حرکاتش که ایران است تا آخر سیرش که یونان است میباشد باهان نام فارسی که عرص شد هر کرده - (۱۱۱) (مستردمی) (ستاره نامه) است - سرفتن علم محوم - بل عرص شد و رفتش از بابل مصر در عهد سعادت مصرین را انبایان رود اما زمین یونان چنانچه در ریح بود آنان سب واسطه یکی از شاعران یونان بوده است -

ناخلفه در عصر سیمین قوت علم محوم و شوکت مدحان کمال رسید و تمام در تواریخ ایران بزرگت ارشوع این علم در عصر سوم (۱۱۱) علم مولده از این اعتماد چنانچه عرص شد (۱۱۱) علم حساس است که راجع سیر کواکب میشود - علم هیئت ست که عاید هیئت افلاک مانگردد و علم اقاوم که حر و حمرافعی و راجع بتعلق سیمین است

نتیجه این عصر سیمین برای ایران زمین مصر و مولد امراض و همی بسیار شد که هنوز هم آن اعتقادات ضعیفه سیمیه برقرار است و مغرب عقول